

تاریخچه تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محسن بهشتی سرشت^۱

حسین صابر^۲

چکیده

در پی شدت گرفتن احتمال سقوط حکومت پهلوی و به ظهور رسیدن نظامی جدید در آستانه انقلاب، تدوین قانون اساسی جدید برای کشور، مورد توجه رهبر انقلاب و گروه‌های انقلابی قرار گرفت. از آنجایی که قانون اساسی جدید، منشأ نظام‌بخشی و تبیین روابط ارکان قدرت در ساختار تازه تلقی می‌گردید، جریان‌های گوناگون دخیل در انقلاب برای داشتن نقش و سهم بیشتر در اداره کشور، با قوای زیادی به این مسئله ورود نمودند. بر همین اساس بود که این موضوع، مولد رویارویی‌های مختلفی پس از انقلاب در میان گفتمان‌های مؤثر آن زمان گردید؛ اختلاف نظر بر سر چگونگی تصویب قانون اساسی توسط مردم و بودن یا نبودن مجلس مؤسسان،

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

email:mbeheshtiseresht@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

email:hosseinsaber@gmail.com

منازعات گفتمانی حول محور ولایت فقیه و بحث بر سر چگونگی حضور آن در قانون اساسی و بالاخره درخواست انحلال مجلس بررسی قانون اساسی از سوی گفتمان مغلوب، از جمله این روریا رویی‌های جدی بودند. در نهایت، قانون اساسی به همه‌پرسی گذاشته شد و با تأیید اکثریت قاطع مردم به تصویب رسید و تا حدود یک دهه پس از انقلاب - که به فرمان امام خمینی افرادی به بازنگری در آن منصوب شدند و اصلاحاتی را بر روی آن به انجام رساندند - بی‌تغییر ماند.

کلید واژه‌ها: قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، مجلس خبرگان، ولایت فقیه، بازرگان

مقدمه

تولد نخستین قانون اساسی در ایران، به حدود یک قرن پیش باز می‌گردد. قانونی که مهم‌ترین میوه انقلاب مشروطه بود و از پس نهضتی زاده شد که با محدود کردن اختیارات پادشاه، دخیل بودن مردم را در تصمیم‌گیری‌هایی که در ارتباط با کشورشان هست، حق آنها می‌دانست. این قانون، کمی بیش از هفتاد سال عمر کرد و تا پایان حکومت پهلوی‌ها به‌عنوان قانون اساسی حکومت سلطنت مشروطه دوام آورد و البته در این مدت، تغییرات قابل توجهی هم در مقاطعی بر روی آن اعمال گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به نیازهای جدید جامعه، می‌بایست قانون اساسی جدیدی تدوین می‌گردید که توانایی پاسخ‌گویی به آن نیازها را داشته باشد و در حکم ترسیم‌گر آینده کشور با در نظر داشتن شرایط جدید تلقی گردد.

بدیهی است که هر نظام سیاسی ساختارمند، به جهت روشن ساختن حدود و ثغور و تبیین مرزهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خویش و تنظیم روابط ارکان ساختار قدرت و شهروندان، نیازمند نوعی خاص از قانون اساسی است که در راستای افق‌ها و آرمان‌هایش باشد. بر همین اساس و در واپسین ماه‌های حیات حکومت پادشاهی پهلوی که احتمال جابجایی نظام سیاسی و حکومتی قوت گرفته بود، ضرورت تدوین یک قانون اساسی جدید برای طیف مخالفین شاه آشکار گردیده بود. چرا که با تحلیل‌های موجود، آیت‌الله خمینی - رهبر بلامنازع نیروهای مخالف شاه که اغلب مخالفین پهلوی زیر چتر رهبری وی جمع شده بودند - به‌زودی با کنار زدن شاه، قدرت را در دست می‌گرفت و برای اداره کشور نیاز به یک قانون اساسی جدید داشت که در عین پاسداشت

ارزش‌های انقلابی مخالف روح حاکم بر نظام سیاسی و ارکان حکومتی پهلوی، روشنگر خواسته‌ها و افق‌های ایدئولوژیکی باشد که شالوده نفیِ اوضاع نامطلوب موجود را می‌ساخت و اثباتِ اوضاع مطلوبِ آتی را نوید می‌داد.

بدون تردید مجموعه بافت اندیشه‌ای رهبر انقلاب، واضعین قانون اساسی و شرایط انقلابی کشور، تأثیر بسزایی در چگونگی شکل‌گیری چهارچوب و محتوای قانون اساسی داشته است. آنچنان که پس از پیروزی انقلاب و نابودی خصم مشترک، یعنی شاه، تفاوت‌های کوچک و بزرگ گروه‌های انقلابی به تدریج رخ می‌نمود و طبعاً این تفاوت‌های پنداری و نظری، به حوزه‌های گفتاری و عملی نیز راه می‌یافت. در این میان، قانون اساسی هم می‌بایست برآیند این طیف نظرات متفاوت می‌بود و هم می‌بایست با اتکا به اصولی مستحکم و شمول محتوایی منسجم، به‌عنوان حیثیت مملکت و منشور ملی لازم‌الاتباع تلقی می‌گردید. روند تدوین این قانون اساسی که جریان‌های تأثیرگذار متنوعی در شکل‌گیری آن نقش داشتند، میدانی برای مناظره نظری اندیشمندانی شد که با دارا بودن سطوح گوناگون دیدگاهی، برای سهم شدن در پایه‌ای‌ترین و اساسی‌ترین سند مکتوب ایران انقلابی و آینده آن تلاش می‌کردند. به هر ترتیب متن و بطن قانون اساسی، برخاسته از افکار و عقاید انقلابیونی بود که با اعتراض به وضع گذشته، انقلاب را به‌وقوع رسانده بودند و به‌علاوه، روح قانون، ملهم مشی حرکتی ملتی بود که دوست داشت سرنوشتش را آزادانه تعیین کند و به افق‌ها و آرمان‌های بلندمدتی چشم داشت که تشکیل‌دهنده الگویی نمونه برای حکومتی مردمی در دنیای جدید باشد؛ حکومتی که حسب خواسته اکثریت توده‌هایش، با استقلال از شرق و غرب، هم تعالیم اسلام شیعی در همه ارکان و اجزای آن مؤثر باشد و هم حق مردم را در اداره همان ارکان و اجزاء، مرعی بدانند.

مسئله این پژوهش در مقام مقاله‌ای توصیفی و با نگاهی تاریخی، جستجوی چگونگی تکمیل مرحله به مرحله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رصد زوایا و خفایای مسیر تاریخچه تدوین آن از ابتدا و به صورتی اجمالی است. ضرورت پرداختن به چنین موضوعی، از لزوم پرداختن عمیق‌تر به وقایع و رخدادهای گوناگون انقلاب ناشی می‌شود. چرا که تدوین دقیق قانون اساسی، ضمن در برداشتن اهداف انقلابی واضعین آن، به مثابه راهنمای نقشه راهی تلقی می‌گردید که انقلاب نوپای

ایران، باید به هدایت آن از پیچ‌وخم‌های متعدد دوران انقلاب و پس از آن می‌گذشت. از این رو است که شناخت کامل انقلاب، بدون آشنایی با فراز و فرودها و چگونگی تثبیت این نقشه راه، ناممکن خواهد بود.

سوابق پژوهشی در خصوص موضوع «قانون اساسی» نسبتاً گسترده و قابل توجه است. زیرا قانون اساسی موضوعی است فراگیر که می‌توان از زوایای گوناگون حقوقی، سیاسی، جامعه‌شناختی، تاریخی و حتی فلسفی به آن نگریست. اما نکته‌ای که در این مقاله ضرورت توجه دارد، تأکید بر نگرشی تاریخی به قانون اساسی و تحولات آن بر بستر زمان است. منابعی که از زاویه دید تاریخی موضوع صیوریت قانون اساسی را به بررسی و نقد کشیده‌اند، به نسبت محدودتر از منابعی هستند که از سایر جوانب به این موضوع پرداخته‌اند.^۱ از میان منابع پرشماری که به بررسی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، بعضاً آثاری هم وجود داشته‌اند که اشاراتی ضمنی به چگونگی شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. افزون بر این قبیل آثار و همچنین برخی مقالات و تک‌نگاری‌های نگارش یافته در این حوزه، دو اثر *سیر تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران* به قلم محمدرضا معین‌فرد و *مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران* به قلم محمد وحید قلفی از جمله منابع قابل توجهی هستند که هر یک به فراخور خود، موضوع مورد بحث را پرورش داده‌اند. معین‌فرد در اثر خود با اشاره‌هایی به تاریخچه تدوین قانون اساسی مشروطه، تمرکز خود را متوجه سیر نگارش و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نموده است. این کتاب علی‌رغم داشتن اطلاعات و آمارهای مفید، بعضاً به وادی طرفداری‌های جانبدارانه از تفکری خاص فرو افتاده است و در پاره‌ای از قسمت‌ها با کلی‌گویی، از بررسی دقیق همه جوانب امور بازمانده است. اما کتاب قلفی، که دامنه بسط مورد بررسی خود را از ایران در آستانه انقلاب آغاز کرده است، بررسی جایگاه جمهوریت در اندیشه امام خمینی و نیروهای مؤثر در انقلاب اسلامی، چگونگی شکل‌گیری نخستین مجلس خبرگان، تکوین اندیشه قانون اساسی جمهوری اسلامی

۱- در نگاهی دقیق‌تر می‌توان اظهار داشت که داده‌های مورد بحث، نه هنوز «تاریخی» شده‌اند تا در جرگه وقایعی محسوب شوند که سالیانی دراز از وقوع آنها گذشته باشد و نه می‌توان آنها را صرفاً در بستر حوادث امروز روز تحلیل نمود و برای دریافت مطلوب آنها، فقط به ابزارهای «جامعه‌شناختی» اتکا نمود. شاید بتوان جایگاه بررسی‌های این پژوهش را در محدوده میان‌رشته‌ای «جامعه‌شناسی تاریخی» در نظر گرفت.

ایران و پیش‌نویس‌های آن و نهایتاً تصویر بنیان‌های حکومتی در ایران و انعکاس آن در قانون اساسی توسط مجلس خبرگان را دنبال می‌کند؛ اثری که با تلفیق دو روش توصیفی جزء نگر و تحلیلی کلان‌نگر، اطلاعات و تحلیل‌های شایانی را در بردارد. هدف قلفی از نگارش این اثر، تنها بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نبوده است و پرداختن به سایر مسائل و اتخاذ رویکردی نسبتاً پهنانگر، گستره پژوهش قابل توجه وی را گسترده نموده است. مقاله حاضر ضمن بهره‌گیری از برخی مطالب منابع یاد شده، تلاش نموده است به اجمال، شرح وقایعی را تصویر کند که در تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذی نقش بوده‌اند و در این راه، از خاطرات و آراء برخی از کارگزاران اصلی تدوین قانون اساسی نیز بهره برده است. استفاده از متن مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی و رجوع به روزنامه‌های آن دوران، بیانگر دست‌یازی پژوهش به برخی منابع دست اول و مقوم شأن استنادی آن است.

با این اوصاف، این مقاله به صورتی متمرکز و در عین حال گذرا، تلاش داشته است تاریخچه تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را با زاویه دید خاص خود مطالعه نماید و چگونگی تشکیل و تکامل آن را به تصویر بکشد. تاریخچه‌ای که از نیاز به تدوین قانون اساسی جدید در روزهای اقامت آیت‌الله خمینی در حومه پاریس آغاز و پس از فراز و فرودهای بسیار و گذر از پیچ و خم‌های فراوان اندیشه‌ای طیف گسترده و متفاوت واضعان آن، به تصویب مردم رسید و به بازنگری انجام شده پس از فوت امام خمینی منتج شد.^۱

۱- پژوهش حاضر برگرفته از منابعی است که نمی‌توان هیچ یک از آنها را - چونان تمامی آثار تاریخی - مطلقاً بی‌طرف دانست. خاصه آنکه دامنه تأثیر و تأثر برخی از موضوعات پژوهش، تا به امروز هم کشیده شده است. در این میان، جهت‌گیری، ساخت‌بندی و پرداخت این پژوهش نیز برگرفته از برخی از این منابع و البته دیدگاه‌های شخصی پژوهشگر است. ذکر این نکته ضروری است که بررسی منابع و آثاری دیگر و حتی نگرستن از دریچه‌هایی متفاوت به همین منابع و آثار می‌تواند نتیجه‌گیری‌های متفاوتی را از نتایج حاضر به دست دهد و پرداخت موضوع و القانات ناشی از آن را به گونه‌ای متفاوت صورت‌بندی نماید. پژوهشگر به هیچ عنوان مدعی نیست که آنچه که گفته، همه آن چیزی است که رخ داده و همان چیزی هم که گفته، کاملاً بی نقص است. همچنین ادعای پرداخت این موضوع برای نخستین بار به این سیاق و ساختار و با این نقشه پژوهش نیز ناصواب است و پژوهشگر به هر حال در ساخت‌بندی،

از نیت مجلس مؤسسان تا تشکیل مجلس خبرگان

توده‌های انقلابی که پس از تحمل فضای استبدادی سال‌های واپسین حکومت پهلوی، در انتظار چشیدن طعم استقلال نظر و آزادی ابراز عقیده به سر می‌بردند، با وقوع انقلاب پای به فضای جدید و نوینی گذارده بودند که در آن خودشان حق تعیین سرنوشتشان را پیدا کرده بودند. فضای جدیدی که باید قواعد و مقرراتی به آن نظم می‌داد و به روابط میان ارکان گوناگون آن معنا می‌بخشید. در این میان، این قانون اساسی بود که به جهت تنظیم این روابط، ضمن بر دوش داشتن این مسئولیت خطیر، با محدودیت‌هایی مواجه شد. چرا که علاوه بر آنکه می‌بایست در تنظیم آن به نیازهای انقلابی جامعه و مطالبات مردم انقلابی توجه می‌شد، باید از غنا و محتوایی برخوردار می‌بود که در بلند مدت و در روزهای ثبات و آرامش هم دستی پر از خود از نشان دهد. ضمن آنکه حفظ نهال نوپای انقلابی که خطرات و متولیان متعددی را بر خود می‌دید، نیازمند تدوین سریع قانون جامع الاطراف و همه‌گیری بود که همه شهروندان فضای جدید را در زیر چتر خود به محافظت از انقلاب گرد آورد. این‌گونه بود که قانون اساسی جمهوری اسلامی و مباحث پیرامون آن، مهم‌ترین کانون منازعه گفتمان‌های جریان‌های دخیل در انقلاب را در بهار ۱۳۵۸ تشکیل داد. نظر به اهمیت قانون اساسی در تعیین ساخت قدرت و ماهیت نظام سیاسی کشور پس از انقلاب، برنده منازعه بر سر قانون اساسی، تا حد زیادی پیروز منازعه‌های گفتمانی نیروهای حاضر در انقلاب تلقی می‌گردید و به همین دلیل گفتمان‌ها و جریان‌های مختلف، همگی با تمام توان وارد میدان شدند و خواسته‌ها و تقاضاهای مختلف خود را برای طرح در قانون اساسی مطرح کردند (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۲۹۱). این اهمیت ناظر بر کیفیت چیدمان شالوده ساختار نظام سیاسی آینده بود و به همین علت بود که بهشتی در مقام دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی را بیانیه اصل بندی شده و تنظیم شده انقلاب اسلامی قلمداد نمود (حسینی بهشتی ۱۳۷۷: درون جلد).

البته فکر تدوین قانون اساسی جدید، قبل از پیروزی انقلاب و به هنگام اقامت آیت الله خمینی در فرانسه (فوزی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۴۵) و در شرایطی که احتمال سقوط حکومت پهلوی و به وجود آمدن

پرداخت و جهت‌گیری، متأثر از برخی از منابع بوده است. از این رو پژوهشگر، نقد و اصلاح سایرین را عامل غنای موضوع پژوهش پنداشته و از آن استقبال می‌نماید.

ساختاری نوین شدت پیدا کرده بود به وجود آمد. براین اساس، آیت‌الله خمینی در دی ۱۳۵۷ برای نخستین بار به صراحت از تدوین قانون اساسی جدید سخن به میان آورد.^۱ رهبر انقلاب در ابتدا تدوین قانون اساسی را وظیفه مجلس مؤسسان می‌دانست. وی در سخنرانی مشهور خود در روز ورودش به ایران در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به تشکیل مجلس مؤسسان به واسطه آرای مردم و استقرار دولت دائمی اشاره نمود (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۶: ۱۷) و در حکم نخست‌وزیری بازرگان نیز یکی از مأموریت‌های دولت را تشکیل مجلس مؤسسان از متخین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید تعیین نمود (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۶: ۵۵-۵۴). براین اساس، با تصویب هیأت دولت در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۵۸، «شورای عالی طرح‌های انقلاب» تأسیس گردید و اساسنامه آن به تصویب رسید. اساسنامه‌ای که به موجب ماده دو آن یکی از وظایف شورا، «تهیه طرح قانون اساسی بر مبنای ضوابط اسلامی و اصول آزادی» تعیین گردیده بود (هاشمی ۱۳۷۴ ج ۱: ۲۷).

اما پیش از این، پیش‌نویس‌هایی برای قانون اساسی تهیه شده بود. حسن حبیبی براساس مأموریتی که از جانب رهبر انقلاب یافته بود، نخستین یادداشت‌ها را در قالب پیش‌نویس قانون اساسی جمع‌آوری نمود^۲ (خجسته رحیمی ۱۳۸۷: ۶۹).

گروهی از حقوقدانان مخالف حکومت پهلوی^۳ نیز در تهران طرحی را تهیه کرده بودند که به دستور امام خمینی، این متن با پیش‌نویس حبیبی تلفیق و متنی ترکیبی تهیه شد (پرسش و پاسخ با آقایان منتظری، سحابی، صدر حاج سید جوادی و بهشتی پیرامون پیش‌نویس قانون اساسی در اوایل انقلاب^۴ ۱۳۸۲: ۲۲). با وقوع انقلاب، متن اخیر توسط بازرگان به شورای عالی طرح‌های انقلاب به ریاست

۱- این مطلب در مصاحبه با خبرنگاران در ۱۸ و ۲۵ دی ۱۳۵۷ اعلام گردید (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۵: ۴۰۰ و ۴۷۰).

۲- خانم فاطمه طباطبایی، عروس امام خمینی، در خاطرات خود نقل کرده است که امام خمینی در نوفل‌لوشاتو تقریباً محرمانه از پدر وی - سید محمد باقر سلطانی طباطبایی که بعدها نیز از اعضای مجلس خبرگان گردید - خواسته بود که به حبیبی در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی در حوزه‌هایی که به مسائل فقهی مربوط می‌شود، کمک کند. حبیبی نیز هر بخش را که تنظیم می‌نمود در اختیار امام خمینی قرار می‌داد و امام خمینی نیز نظرات اصلاحی خود را در گوشه آن می‌نوشت. وی اضافه نموده است که دست‌نوشته‌های امام خمینی نزد حبیبی محفوظ است (طباطبایی ۱۳۹۰: ۵۱۳).

۳- به گفته عزت‌اله سحابی، این افراد شامل میناچی، صدر حاج سید جوادی، فتح‌الله بنی‌صدر و لاهیجی بودند.

۴- در ادامه مقاله، از این منبع به اختصار با عنوان «پرسش و پاسخ» یاد خواهد شد.

یدالله سحابی تحویل گردید و با انجام اصلاحاتی از جانب این شورا، متن اصلاحی به عنوان لایحه دولت به شورای انقلاب ارائه شد. در این مرحله شورای انقلاب نیز نظرات خود را بر روی آن اعمال نمود و پیش‌نویس با اعمال تغییرات شورای انقلاب، برای امام‌خمينی و همچنین آیت‌الله شریعتمداری، آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله گلپایگانی فرستاده شد (پرسش و پاسخ ۱۳۸۲: ۲۲). با اعلام نظر مراجع و فقها، در خصوص چگونگی به تصویب رساندن پیش‌نویس نهایی توسط مردم اختلافاتی بروز نمود که دو جریان مهم دخیل در انقلاب را به رویارویی کشاند. جریان اول با این استدلال که تشکیل مجلس مؤسسان، زمان زیادی می‌برد و خطرات تهدیدکننده انقلاب در صورت نبود قانون اساسی و وجود هرج و مرج، امکان بیشتری برای بروز می‌یابد، معتقد بودند که نیازی به تشکیل مجلس مؤسسان نیست و پیش‌نویس قانون اساسی قابلیت به همه‌پرسی گذاشتن مستقیم را داراست. این اندیشه که حامیانی چون بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، میرحسین موسوی، قطب‌زاده، باهنر، مهدوی کنی، عزت‌الله سحابی و کتیرایی داشت، با تأکید بر مشکلات کشور در دوره انتقال، شمار زیاد اعضای مجلس مؤسسان و تنوع و تعارض احتمالی میان آنان که طولانی شدن فرآیند تصویب قانون اساسی را به دنبال داشت، بر عدم ضرورت مجلس مؤسسان اصرار داشت و درصدد بود تا با برگزاری رفراندوم و تصویب سریع‌تر مردم، ثبات کشور از طریق تأسیس نهادهای جدید متکی بر قانون اساسی تأمین گردد. در طرف مقابل، جریان دوم با اتکا به شأنیت حقوقی و بین‌المللی مجلس مؤسسان، بر یکی بودن قول و فعل امام خمینی تأکید داشت و معتقد بود که با توجه به وعده‌های امام خمینی، خلف وعده پسندیده نیست. این اندیشه را افرادی چون بازرگان، یدالله سحابی، یزدی، صدر حاج سید جوادی، صباغیان و بنی‌صدر روا می‌دانستند و بر آن پای می‌فشردند (علی‌بابایی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۲۹-۲۲۸).^۱

۱- هاشمی رفسنجانی نیز در خصوص این جلسه گفته است: «گروهی از جمله آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله بهشتی، من و چند نفر دیگر معتقد بودیم که پیش‌نویس قانون اساسی مصوب شورای انقلاب و دولت موقت، بهتر است مستقیماً به همه پرسى گذاشته شود تا به این وسیله در عبور کشور از دوره انتقال و رسیدن به دوره ثبات، تسريع لازم به عمل آید؛ اما گروه دیگر که آقایان آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سحابی و چند نفر دیگر جزو آنها بودند، این نظر را نمی‌پسندیدند و می‌گفتند که بهتر است طبق وعده داده شده به مردم، مجلسی برای تدوین نهایی قانون اساسی تشکیل شود» (هاشمی رفسنجانی ۱۳۸۳: ۲۹۴).

این گونه بود که گروه نخست که بیشتر آنها طرفداران گفتمان اسلام فقاهتی بودند - و به «مکتبی»ها هم موسوم شدند - قائل به عدم ضرورت تشکیل مجلس مؤسسان و فراندوم مستقیم پیش‌نویس قانون اساسی بودند و گروه دیگر که بیشتر آن‌ها طرفداران گفتمان اسلام لیبرال بودند - و به «لیبرال»ها هم موسوم شدند -^۱ بر لزوم تشکیل مجلس مؤسسان اصرار داشتند.^۲ البته در استدلال‌های گروه دوم برای

۱- لازم به توضیح ضروری است که واژگان «مکتبی» و «لیبرال» که به ترتیب به هواخواهان «گفتمان اسلام فقاهتی» و هواخواهان «گفتمان اسلام لیبرال» اطلاق می‌شدند - و البته این جریان‌ها بعدها در سپهر ادبیات سیاسی و اجتماعی به این نام‌ها موسوم گشتند - دربرگیرنده مفاهیم و معانی مفصل قابل توجهی هستند. گفتمان اسلام فقاهتی به راهبری امام خمینی اصول و مبانی نظری و اندیشه‌ای مشخص و مدونی را دارا بود و بر همین اساس در عرصه عمل به کنش‌گری می‌پرداخت. به همین ترتیب گفتمان اسلام لیبرال به راهبری بازرگان نیز با اتکا به اصول و مبانی اندیشه‌ای و نظری خود، در مقام عمل راه مطلوب خود را می‌پوید. مشخص است که استفاده از عنوان «لیبرال» به عنوان طرفداران گفتمان اسلام لیبرال در این مقاله، از طرفی با تلقی عمومی جامعه از این مفهوم که آن را تا حد یک ناسزای سیاسی تنزل داده بود در تباین است و از طرف دیگر عیناً بر مختصات لیبرالیسم غربی بار و سوار نمی‌گردد. گفتمان اسلام لیبرال، با داشتن اشتراکات و افتراقاتی با گفتمان بین‌المللی لیبرالیسم غربی، تعاریفی خود ساخته نیز داشت و خود به عنوان خرده‌گفتمانی از گفتمان عام اسلام سیاسی به شمار می‌رفت. با این وصف به طرفداران این خرده‌گفتمان خاص، عنوان لیبرال اطلاق می‌شد. گفتمان اسلام فقاهتی نیز به عنوان یکی از اساسی‌ترین گفتمان‌های حاضر در جریان انقلاب، در زمره یکی از اساسی‌ترین خرده‌گفتمان‌های گفتمان عام اسلام سیاسی به‌شمار می‌رفت که طرفداران آن، پس از انقلاب هم بیشترین سهم را در اداره کشور دارا شدند. بدیهی است که بحث بر سر تبیین و تدقیق تاریخچه پیدایی و بررسی اصول و مبانی نظری هر یک از گفتمان‌های اسلام فقاهتی و اسلام لیبرال و عملکرد رفتاری مکتبی‌ها و لیبرال‌ها، در این مجال نمی‌گنجد و در حوصله این مقاله نیست. برای کسب اطلاعات مفصل‌تر و آشنایی بیشتر در این زمینه، (ر.ک. به: حسین صابر، «روایوی جریان‌های موسوم به لیبرال و مکتبی در حوزه سیاست؛ از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۰»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، شهریور ۱۳۹۱*).

۲- جالب آنکه در پی این عدم توافق، هاشمی رفسنجانی که از طیف مکتبی‌ها بود، در خطابی به بازرگان و بداله سحابی، آنها را از پافشاری برای تشکیل مجلس مؤسسان برحذر داشت و در یک پیش‌بینی که بعدها رنگ واقعیت به خود گرفت، به طرف مقابل هشدار داد که با توجه به تجربه موجود، در صورت برگزاری انتخابات، چیزی در حدود هفتاد تا هشتاد درصد منتخبین روحانی خواهند بود و در آن صورت مجلسی با آن ترکیب، قانون را به تصویب خواهد رساند که آنها انگشت تأسف را به دهان خواهند گزید (پرسش و پاسخ [به نقل از عزت اله سحابی] ۱۳۸۲: ۲۲). صادق طباطبایی نیز که معتقد است کسانی که طرفدار تشکیل مجلس مؤسسان بودند، همان کسانی بودند که بیشترین ضربه را در این روند خوردند، این خاطره را با اندکی تغییر نقل می‌کند: «یادم هست که نزدیک خانه امام، آقای

تشکیل مجلس مؤسسان، می‌توان به اصول نظری و نحوه کنش آنها نیز نظر داشت؛ انتخابات آزاد، همواره یکی از خواسته‌های اصلی گفتمان ناسیونالیستی در ایران معاصر بود و اردوگاه لیبرال‌ها، با این گفتمان قرابت داشت. انتخابات مجلس مؤسسان، به نوعی اولین فرصت برگزاری انتخاباتی بزرگ و در عین حال آزاد بود که به‌خودی خود از موضوعیت مهمی می‌توانست برخوردار باشد. به‌علاوه کثرت شمار نمایندگان مجلس مؤسسان، اجازه ورود بسیاری از اندیشه‌ها را برای تصویب قانون اساسی می‌داد و سایر گفتمان‌ها نیز مجال ظهور و بروز می‌یافتند.

به هر ترتیب و در پی عدم توافق دو گروه، نمایندگان هر دو طیف در ۱ خرداد ۱۳۵۸ نزد امام خمینی در قم رفتند تا رهبر انقلاب، در میان آنان داوری و نظر خود را اعلام نماید. پس از انجام بحث‌های مختلف در حضور امام خمینی و به نتیجه نرسیدن آنها، در نهایت طالقانی با پیشنهادی بینابین، نظری مبنی بر تشکیل مجلسی با تعداد محدود ارائه داد. بنابر پیشنهاد طالقانی، این مجلس به ازای هر میلیون نفر از جمعیت کشور، یک یا دو عضو داشت که در مجموع، حدود هفتاد نماینده را در برمی‌گرفت. این مجلس مؤسسان کوچک، مجلس «خبرگان» نام می‌گرفت^۱ و همان وظیفه مجلس مؤسسان را انجام می‌داد و دست آخر محصول نهایی خود را به فرزندم گذاشته و از تصویب ملت می‌گذراند. این پیشنهاد، رضایت طرفین را جلب کرد و مورد موافقت امام خمینی نیز قرار گرفت و شورای انقلاب هم آن را تصویب نمود (پرسش و پاسخ [به نقل از عزت الله سبحانی]

هاشمی به آقای بنی‌صدر گفت که اینقدر سماجت نکن. چون مجلس مؤسسان شکل می‌گیرد و بعد برخی طلبه‌ها بلایی سرتان می‌آورند که تصورش را هم نمی‌کنید.» (خجسته رحیمی ۱۳۸۷: ۶۹).

۱- هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات خود به این موضوع اشاره کرده است که مطرح شدن نام مجلس «خبرگان» گویا از سوی طالقانی بوده است و مخالفتی هم با آن نشد (هاشمی‌رفسنجانی ۱۳۸۳: ۲۹۵). منتظری نیز در خصوص نامگذاری این مجلس به نام مجلس خبرگان معتقد بود: ظاهراً این نکته مورد توجه آقایان بوده که مجلس مؤسسان از همه طبقات جامعه تشکیل می‌شود. ولی چون منظور آقایان تدوین قانون اساسی با رعایت موازین اسلامی بوده، خواسته‌اند تنظیم‌کنندگان قانون اساسی از بین افراد خبیر و آگاه به موازین اسلامی انتخاب شوند و به همین دلیل، نام آن را خبرگان گذاشتند (پرسش و پاسخ [به نقل از منتظری] ۱۳۸۲: ۲۶).

۱۳۸۲: ۲۴).^۱ براین اساس، بنا شد مجلس بررسی قانون اساسی معروف به خبرگان، تشکیل و طرح پیشنهادی قانون اساسی، بعد از بررسی به همه پرسی گذاشته شود (فوزی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۴۸).

امام خمینی در فرمانی به نخست‌وزیر در ۴ خرداد ۱۳۵۸ این موضوع را ابلاغ نمود:

لازم است ملت مبارز ایران هر چه زودتر سرنوشت آینده مملکت خویش را به دست گیرد و ثمره انقلاب عظیم اسلامی خود را در همه روابط و نظامات اجتماعی به دست آورد و حقوق از دست رفته خود را باز یابد، و عدالت اسلام را در همه شئون جامعه پیاده کند. از این رو طرح قانون اساسی را- که شورای طرحهای انقلاب، مشغول تدوین و تکمیل آن هستند- با سرعت تکمیل، و به تصویب شورای انقلاب رسانده و هر چه زودتر در اختیار افکار عمومی بگذارید تا همه صاحب‌نظران و تمامی اقشار ملت- در مدت محدودی که تعیین می‌نمایید- پیشنهادها و نظرات خود را درباره آن ابراز نمایند؛ و بنابر تصمیمی که با تبادل نظر با شورای انقلاب و دولت گرفته شد، ترتیبی دهند تا مردم هر استان و هر یک از اقلیتهای مذهبی نمایندگان صاحب‌نظر خود را به تعدادی که شورای انقلاب اسلامی و دولت تعیین می‌کنند، انتخاب کنند. و مجلس متشکل از نمایندگان مردم با توجه به همه پیشنهادهای مفیدی که رسیده است مواد قانون اساسی را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نمایند. و سعی شود که در آن کلیه حقوق و آزادیها و فرصتهای رشد و تعالی و استقلال این ملت بر مبنای موازین اسلامی- که ضامن حقوق حقه همه افراد است و اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران بدان رأی مثبت داده است- پیش بینی گردد. پس از آنکه این قانون اساسی در جمع نمایندگان صاحب‌نظر مردم مورد بررسی نهایی قرار گرفت، به رأی گذارده شود و طی یک همه پرسی نهایی، همه آحاد ملت قبول یا رد خود را مستقیم درباره آن ابراز نمایند. و سعی شود که تمام این مراحل در اسرع وقت انجام گیرد تا

۱- در توضیح علت پذیرش این پیشنهاد از جانب طرفین می‌توان گفت که این مجلس مؤسسان کوچک پیشنهادی، از طرفی می‌توانست تا اندازه‌ای مشابهت‌هایی با مجلس مؤسسان مورد نظر لیبرال‌ها داشته باشد و برخاسته از انتخاباتی آزاد باشد و از طرفی دیگر هم عرض و طول مجلس مؤسسان اصلی را نداشت و بر پاشدن آن، زمان زیادی را نمی‌طلبید که از این حیث تا اندازه برآورنده نظر مکتبی‌ها بود.

با انتخاب رئیس جمهوری و نمایندگان مجلس، ارکان حکومت جمهوری اسلامی
استقرار یابد (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۷: ۴۸۳-۴۸۲).

پیش‌نویس قانون اساسی نیز در خرداد ۱۳۵۸ در مطبوعات منتشر شد و بحث بر سر چگونگی
تدوین قانون اساسی به اوج رسید (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۲۹۱). در اجرای فرمان رهبر انقلاب و به منظور
تشکیل مجلس خبرگان و تعیین اعضای آن از راه انتخابات، در ۱۴ تیر ۱۳۵۸، «لایحه قانونی انتخابات
مجلس بررسی‌هایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» از تصویب شورای انقلاب گذشت و به
موجب ماده یک این لایحه، «به منظور اظهار نظر نهایی در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
که قبلاً تنظیم و در مراحل مختلف بررسی شده، مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ایران در تهران»
باید تشکیل می‌گردید (فوزی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۴۹-۲۴۸).

در این میان، به‌رغم تصمیم مدیران کشور و حصول توافق میان دو طیف لیبرال و مکتبی مبنی بر
جایگزینی مجلس خبرگان به عوض مجلس مؤسسان، جریان‌هایی کماکان با این تصمیم مخالفت داشتند و
بر تشکیل مجلس مؤسسان اصرار می‌ورزیدند. اما امام خمینی با حمایت از تصمیم تشکیل مجلس خبرگان،
تشکیل مجلس مؤسسان در آن شرایط را نشانه غرب‌زدگی و باعث اتلاف وقت (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۸۶
ج ۸: ۱۶۱، ۱۸۲، ۱۸۹، ۲۰۰ و ۲۰۵) و در جهت خواست کسانی دانست که در رفراندوم شکست خورده‌اند
(ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۸: ۱۶۲ و ۱۹۴). آیت‌الله شریعتمداری نیز که در حمایت از برپایی مجلس
مؤسسان، عدم تشکیل آن را اشتباهی بزرگ خوانده بود (روزنامه کیهان ۲۰ خرداد ۱۳۵۸: ۱)، موافقت خود را
با یک مجلس مؤسسان کوچک اعلام نمود:

اگر ۷۵ نفر خبره و ذی صلاحیت باشند و مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی را
بررسی کنند و تصویب نمایند، به طوری که قانون اساسی مزبور رسمیت پیدا کند که
اگر رفراندوم هم نکنند رسماً قانون اساسی مملکت باشد، در این صورت رفراندوم
برای تقویت بیشتر و تأکید مانعی ندارد و از اول هم نظر ما همین بود که قانون
اساسی به وضعی قبل از رفراندوم تصویب شود که بعداً مورد ایراد قرار نگیرد
(روزنامه کیهان ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۲).

با تثبیت ایده مجلس خبرگان و جریان گرفتن مناظرات گفتمانی بر سر کیفیت تدوین قانون
اساسی در این مجلس و همچنین رقابت‌های انتخاباتی میان احزاب و تشکل‌ها، امام خمینی در
سخنانی اسلام‌شناسان را محق به ورود به این مجلس و وضع قانون اساسی دانست:

اسلام‌شناس باید در اینجا دخالت داشته باشد. اسلام‌شناس روحانیون هستند، و بعضی از اشخاصی که در روحانیت داخل هستند، ولو از صنف دیگر، لکن اطلاعات اسلامی - سیاسی دارند... (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۱: ۱۹۱)

وی همچنین «اشخاص متدین، اشخاص مطلع، اشخاص متعهد، اشخاص عقیده‌مند به نهضت... در صراط مستقیم انسانیت و اسلام» (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۸: ۳۸۵) را مناسب عضویت در مجلس خبرگان دانست. امام خمینی حق علما را در این چنین مجلسی، افزون بر سایرین می‌دانست:

... همه حق نظر داریم؛ و شما علمای اعلام بیشتر حق نظر دارید. آنهایی که اسلام را می‌شناسند، آنهایی که علاقه به اسلام دارند، آنها بیشتر باید در این امر جدیت کنند و پیشقدم باشند... این لازم است که اشخاصی که انتخاب می‌کنند، مردم انتخاب می‌کنند، آقایان روحانین پیشنهاد می‌کنند، مراجع پیشنهاد می‌کنند، اشخاصی را پیشنهاد کنند، مردمی را پیشنهاد کنند، که اینها علاقه‌مند به اسلام باشند؛ اینها بدانند اسلام یعنی چه ... در این زمان هم که بناست این قانون اساسی بررسی بشود و دست ظالم کوتاه شده است و مطلب به دست خود شما افتاده است، ملت علما را تعیین کنند. اختیار هست؛ الزامی نیست؛ لکن پیشنهاد است. علمایی که اطلاع دارند از قانون اسلام، اطلاع دارند از مسائل روز، آنها را تعیین کنند. و علما هم ابا نکنند از رفتن در مجلس. برای اینکه مجلس مجلسی است که سرنوشت اسلام در آن تعیین می‌شود. وقتی سرنوشت اسلام در یک مجلسی باید تعیین بشود، حق علما است که بروند و این سرنوشت را به دست مبارک خودشان تعیین کنند (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۱: ۲۲۰ - ۲۱۹).

رهبر انقلاب بر اسلامی بودن قانون اساسی نیز تأکید داشت:

قانون اساسی ما باید اسلامی باشد و اگر حرفی از او اسلامی نباشد، نه من رأی خواهم به او داد و نه ملت. ملت ما که همه اسلامی هستند و همه توجه به اسلام دارند و می‌خواهند قانون اساسی ما اسلامی باشد، کسانی را انتخاب می‌کنند که به اسلام عقیده دارد. و اسلام را دین مترقی می‌دانند، کسانی را انتخاب می‌کنند که امین باشد. کسانی را انتخاب می‌کنند که اسلام‌شناس باشند (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۹: ۱۶۶).

به هر صورت، انتخابات مجلس خبرگان در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ برگزار گردید و کاندیداهای جریان‌های مختلف برای تصاحب ۷۳ کرسی این مجلس به رقابت پرداختند (فوزی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۴۹).^۱ تشکل‌های جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه روحانیت مبارز تهران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب مؤتلفه اسلامی، در کنار حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند و ائتلاف بزرگ مکتبی‌ها شکل گرفته بود (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۳۰۶). این در حالی بود که فداییان اسلام هم به حمایت از برخی کاندیداها پرداختند (اسماعیلی ۱۳۸۴: ۱۲۴ - ۱۲۰). قطب دیگر انتخابات، کاندیداهای مورد حمایت نهضت آزادی بودند و قطب آخر، شامل ائتلاف ۵ گروه سیاسی سازمان مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران، جنبش برای آزادی و سازمان اسلامی شورا می‌شد (رضوی ۱۳۷۶: ۲۵۵ - ۲۵۴). کاندیداهای مستقل نیز در شهرستان‌ها و یا به نمایندگی از اقلیت‌های مذهبی به چشم می‌خوردند (اسماعیلی ۱۳۸۴: ۱۲۴ - ۱۲۰).

این انتخابات هم مرزبندی‌های سیاسی را روشن کرد و هم وزن گفتمان‌های مختلف را نشان داد (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۲۹۲). برنده نسبی انتخابات هم هواخواهان گفتمان اسلام فقهتی بودند؛ آنچنان که ۶۹ درصد نمایندگان از روحانیان و فقهای بودند که از سوی ائتلاف حزب جمهوری اسلامی کاندیدا شده بودند (اسماعیلی ۱۳۸۴: ۱۱۹). در تهران همه کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی رأی آوردند و فاصله آخرین نفر از لیست حزب که فردی کم‌ویش گمنام بود^۲ با نفر بعدی که از رجال مشهور ملی و لیبرال به شمار می‌آمد^۳ نزدیک به یک میلیون رأی بود (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی^۴ ۱۳۶۴ ج ۱: ۳۹۹؛ حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۲۹۲).^۵ کاندیداهای

۱- ماده ۲ لایحه قانونی انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ایران، عده اعضای مجلس را با احتساب نمایندگان اقلیت‌های مذهبی (زرتشتی، کلیمی، مسیحی و آشوری به هر کدام یک نماینده) ۷۳ نفر اعلام نموده بود تا با رعایت جمعیت و ضوابط جغرافیایی استان‌ها بر مبنای هر پانصد هزار نفر یک نماینده، انتخاب شوند (فوزی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۴۹).

۲- علی محمد عرب (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۲۹۲).

۳- علی اصغر حاج سید جوادی (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۲۹۲).

۴- در ادامه مقاله، از این منبع به اختصار با عنوان «مشروح مذاکرات خبرگان» یاد خواهد شد.

۵- البته علی اصغر حاج سید جوادی در شمار نمایندگان خبرگان نبود و این اختلاف حدود یک میلیون رأی میان نفر دهم و یازدهم در تهران، بدون ذکر نام، در جلسه‌ای مورد اشاره بهشتی - که مقام نیابت ریاست مجلس خبرگان را نیز دارا بود - قرار گرفت. به علاوه نباید از این نکته غفلت نمود که برخی از کاندیداهای مورد حمایت حزب جمهوری

گفتمان چپ‌گرای اسلامی (سازمان مجاهدین خلق) و ملی‌گرایان نیز در این انتخابات به توفیقی دست نیافتند. همه اینها حکایت از آن داشت که تصمیم‌گیری درخصوص قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین سند ملی کشور و در پی آن چگونگی پی‌ریزی ساختار نظام جدید، به نمایندگان اسلام سیاسی فقاهتی واگذار شده بود (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۲۹۲). مسئله‌ای که در فرجام رویارویی دو گفتمان اسلام لیبرال و اسلام فقاهتی بر سر تشکیل مجلس مؤسسان و یا برگزاری مستقیم فراندوم، کفه ترازو را به نفع طرفداران گفتمان اسلان فقاهتی سنگین کرد و مایه تأسف طرفداران گفتمان اسلام لیبرال شد. آنچه‌آن که بعدها، سنجابی که نخستین وزیر امور خارجه انقلاب اسلامی و کابینه دولت موقت بود، در خاطرات خود از بازرگان نقل قول کرد که بزرگ‌ترین اشتباهش در دوران نخست‌وزیری این بود که پیش‌نویس نخست را به رأی عمومی نگذاشت و پافشاری کرد که مجلس مؤسسان برگزار شود. مسئله‌ای که به زعم وی موقعیت روحانیون را در ساختار قانون اساسی تحکیم کرد (برزین ۱۳۷۴: ۲۹۵).^۱ البته این حسرت از دید لیبرال‌ها و دست‌کم برای خودشان، بی‌راه هم نبود؛ چرا که تشکیل مجلس خبرگان و شروع به کار آن در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با حضور اکثریت روحانیان، مهم‌ترین قدمی بود که اسلام فقاهتی و مکتبی‌ها را به تسلط بر کشور و کنار زدن سایر گفتمان‌ها نزدیک نمود (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۲۹۳).

اسلامی، حمایت نهضت آزادی را نیز دارا بودند که در رأس آنها چهره برجسته‌ای چون طالقانی بود. یا عزت‌الله سحابی که علاوه بر حزب جمهوری اسلامی و نهضت آزادی، سازمان مجاهدین خلق نیز از او حمایت نموده بود. جالب آنکه بنی‌صدر، کاندیدای معرفی شده از سوی حزب جمهوری اسلامی، فداییان اسلام و نهضت زنان مسلمان بود. در این میان هم حزب جمهوری اسلامی و هم نهضت آزادی، کاندیداهایی را نیز معرفی نموده بودند که از سوی جناح دیگری مورد حمایت نبودند (اسماعیلی ۱۳۸۴: ۱۲۲ - ۱۲۰).

۱- این مطلب برزین به نقل از: کریم سنجابی، *امیدها و ناامیدی‌ها*، لندن: جبهه ملیون ایران، ۱۳۶۸، ص ۲۳۴ است. بنی‌صدر نیز سال‌ها بعد در پاریس گفت: «کاش آن را قبول کرده بودیم. در سیاست طمع زیادی نباید کرد. اگر همین فراندوم را قبول کرده بودیم، شاید وضع بهتر می‌شد» (بنی‌صدر ۱۳۸۰: ۱۹۹ - ۱۹۷).

تدوین و تصویب قانون اساسی

برگزاری انتخابات مجلس خبرگان، ورود چشم‌گیر طرفداران اسلام فقاهتی را برای تدوین مهم‌ترین مکتوب ملی، یعنی قانون اساسی، به دنبال داشت. هر چند که این اکثریت مکتبی توان برهم زدن توازن را قویاً به نفع خود دارا بودند، اما رویارویی‌های جدیدی در این مجلس بر سر کیفیت تدوین قانون اساسی رخ داد. اوج این تقابل، بحث بر سر تصویب وجود مفهوم «ولایت فقیه» بود که چالش‌های بسیاری را هم به همراه داشت. بحث‌هایی که به محیط مجلس خبرگان محدود نمی‌شد و همه فضای اجتماعی - سیاسی را درگیر خود می‌کرد. سیر وقایع تا جایی پیش رفت که بحث انحلال خبرگان نیز از سوی لیبرال‌ها مطرح شد. در ادامه به بررسی موارد یاد شده پرداخته خواهد شد.

بررسی پیش‌نویس تدوین شده

رهبر انقلاب، همان‌گونه که معتقد بود فراندم تعیین نظام سیاسی کشور باید سریع و زود انجام شود، در تسریع تشکیل مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی نیز تأکید داشت و نوشتن قانون اساسی را مرحله پس از پیروزی بر حکومت پهلوی و وقوع انقلاب می‌دانست:

آن قدری که ما تا حالا به آن رسیدیم این که با رأی و فراندم عمومی آن رژیم از بین رفت و به جای او جمهوری اسلامی آمد. الآن ایران به عنوان جمهوری اسلامی در دنیا شناخته شده است. اما جمهوری اسلامی که فقط ما رأی به آن دادیم؛ اما مجلس نداریم و رئیس جمهور نداریم و قانون اساسی نداریم، اینها را باید درست کنیم، پس ما بین راهیم؛ مثل یک لشکر فاتح می‌ماند که زده و رفته و یک جایی را گرفته است لکن معلوم نیست که بتواند حفظش بکند... (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۵۰: ۲۱)

به هر ترتیب و پس از برگزاری انتخابات و پیروزی چشم‌گیر حزب جمهوری اسلامی و مکتبی‌ها، مجلس خبرگان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ آغاز به کار کرد. مجلسی که رنگ مکتبی آن، حتی

در تحصیلات و تعلقات نمایندگان منتخب نیز بروز داشت.^۱ امام خمینی نیز در پیامی به مجلس خبرگان، «تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام» را منحصراً در صلاحیت فقهای عظام دانست و از سایر نمایندگان خواست تا در رشته‌های حقوقی و اداری و سیاسی - که در آن تخصص دارند - ورود پیدا کنند و در صورت اختلاف متخصصان، نظر اکثریت متخصصان را معتبر بدانند (ر.ک.به: امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۹: ۳۰۹). وی همچنین اعلام داشت:

علمای اسلام حاضر در مجلس اگر ماده‌ای از پیش‌نویس قانون اساسی و یا پیشنهادهای وارده را مخالف با اسلام دیدند، لازم است با صراحت اعلام دارند و از جنجال روزنامه‌ها و نویسندگان غریزده نهراسند... (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۹: ۳۰۹)

با آغاز به کار مجلس خبرگان، متن پیش‌نویس قانون اساسی تقدیم مجلس خبرگان شد. بازرگان در نطقی خطاب به نمایندگان اظهار داشت:

اینک طرح قانون اساسی را که در شورای طرح‌های انقلاب تدوین گردیده، به تصویب هیأت وزیران و تصحیح و تأیید شورای انقلاب رسیده است، حضورتان تقدیم نموده تا مورد بررسی و تصویب نهایی برای ارائه به آرای عمومی قرار دهید. در طرح تقدیمی، آنچه از اصول آزادی، حق انتقاد، حاکمیت ملی و رأی اکثریت آمده است، نه ارمغان مغرب زمین و تقلید و تحمیل بیگانگان است و نه میراث نظام شاهنشاهی مخلوع، بلکه در تعبیر اختیار، امر به معروف، نهی از منکر و دستور مشورت، محتوای اصولی است منطبق با قرآن و منبعث از مشیت الهی ازلی رحمان. (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج ۱: ۷)

بعد از آن انتخابات هیأت رئیسه دائم شروع گردید که بر اساس آن، منتظری به عنوان رئیس و بهشتی به عنوان نایب‌رئیس انتخاب شدند. دیگر اعضای هیأت رئیسه، آیت، روحانی و عضدی بودند (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج ۱: ۲۱) که هر سه از اعضای حزب جمهوری اسلامی به شمار می‌رفتند (شادلو ۱۳۸۸: ۱۳۴) و بدین ترتیب، هیأت رئیسه مجلس خبرگان، ترکیبی صددرصد مکتبی

۱- در این مجلس از جمع ۷۳ نماینده، ۴۱ نفر مجتهد، ۱۲ نفر درس خارج خوانده، ۳ نفر آشنا به سطح و ۲ نفر آشنا به مقدمات بودند و به عبارت دیگر، جمعاً ۵۸ نفر تحصیلات حوزوی داشتند (راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸: ۴۰۸).

یافت. اعضای مجلس خبرگان در نخستین جلسه خود، در اقدامی توجه برانگیز، آیین‌نامه تنظیمی دولت را مناسب ندیدند و برای حصول آیین‌نامه‌ای که مورد قبول قاطعشان باشد، تصمیم به تنظیم آیین‌نامه‌ای جدید گرفتند (علی‌بابایی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۳۳). اداره بیشتر جلسات نیز به شهید بهشتی سپرده شد (منتظری ۱۳۷۹ ج ۱: ۴۵۲). با برپایی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی که مدت زمان یک ماه برای فعالیت آن پیش‌بینی شده بود، نظرات نمایندگان بر شالوده پیش‌نویس سوار و در جلسات آن طرح گردید و بعضاً تغییراتی هم در آن ایجاد نمود؛ تغییراتی که اساسی‌ترین آنها، ورود مبحث ولایت فقیه به قانون بود. منتظری بعدها در این باره گفت:

متن این پیش‌نویس را دولت موقت چاپ کرد و به ما داد و اصرار هم داشت که همان متن را در مدت یک ماه بنشینیم تصویب کنیم. و حتی ما می‌گفتیم کلماتی از آن را عوض کنیم، می‌گفتند: عیناً همین متن را تصویب کنید. ما گفتیم این که نمی‌شود. ما باید نظر خودمان را مطرح کنیم (منتظری ۱۳۷۹ ج ۱: ۴۵۸).

عزت‌الله سبحانی هم بعدها در این خصوص اظهار داشت:

یکی دو روز مانده بود به تشکیل مجلس خبرگان، آقای منتظری طی مصاحبه‌ای گفتند این قانون اساسی اشکال دارد. برای اینکه مردم برای روحانیت و ولایت فقیه انقلاب کردند. ولی در این قانون اساسی اسمی از روحانیت نیست. حرف‌های آقای منتظری در محافل روشنفکری بازتاب بدی داشت ... بعدها که ما با آیت در مجلس دوره اول آشنا شدیم، گفت این حرف‌ها را ما رفتیم به آقای منتظری گفتیم. خود آیت هم به دنبال این حرف‌ها بود که پس‌کو روحانیت؟ روحانیت چرا در قانون اساسی نهادینه نشده؟... (شادلو ۱۳۸۸: ۱۳۴)^۱

وی در خصوص پیش‌نویس قانون اساسی، در مجلس خبرگان گفته بود:

این قانون اساسی مغایرتی با ولایت فقیه ندارد و ما نباید این دو را مقابل هم قرار دهیم و بی خود هم این را مطرح نکنیم که یا رئیس‌جمهور بر طبق این قانون اساسی یا ولایت فقیه... (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج ۱: ۹۱)

اما این تلاش‌ها به‌جایی نرسید و در مسیر تدوین قانون اساسی جدید، موضوعات مختلفی سرفصل مناقشات تازه میان هواخواهان گفتمان‌های اسلام فقه‌گرا و اسلام لیبرال در مجلس خبرگان

۱- این مطلب شادلو به نقل از: «ایران فردا»، شماره ۵۲، است.

گردید. نحوه تلفیق اسلام و جمهوریت، بحث منشأ حاکمیت، آزادی‌های فردی و اجتماعی و حدود آن، آزادی‌های احزاب و گروه‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های اقتصادی و فرهنگی کشور از جمله این موارد مورد مناقشه بود (فوزی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۶۳).

منازعات گفتمانی بر سر موضوع ولایت فقیه در قانون اساسی

یکی از مباحث مهم مجلس خبرگان، بحث بر سر منشأ حاکمیت و نحوه ارتباط خدا و حاکمیت مردم در نظام اسلامی بود. بحث‌هایی که به این منظور در مجلس خبرگان در گرفت، عمدتاً حول محور اصل پنجم قانون اساسی یا اصل معروف به «ولایت فقیه» مطرح گردید (فوزی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۶۵) و مناقشات بسیاری را هم در پیش و در پی داشت. مبحثی که آیت الله خمینی، صورت‌بندی اساسی آن را در سال ۱۳۴۸ و در نجف به انجام رسانده بود.^۱ اما این بحث هرگز در بیانیه‌ها و اعلامیه‌های

۱- بررسی آثار مکتوب و غیر مکتوب امام خمینی مبین این مسئله است که وی از جهت زمانی در چهار مرحله به بحث در خصوص ولایت فقیه پرداخته است؛ مرحله اول به تحریر کتاب کشف الاسرار در سال ۱۳۲۳ باز می‌گردد که آیت الله خمینی در آن معتقد بود در زمان غیبت امام معصوم، فقیه عادل باید ناظر بر تشکیل حکومت و استمرار آن باشد و انتخاب سلطان و حاکم باید از جانب فقیه یا مجلسی از فقها صورت گیرد. مرحله دوم به مباحث دهه ۱۳۴۰ باز می‌گردد که آیت‌الله خمینی در فقه استدلالی و فتوایی خود، به ترتیب در رساله اجتهاد و تقلید در کتاب *الرسائل* و مبحث امر به معروف و نهی از منکر در کتاب *تحریر الوسيله* و بحث ولایت فقیه در کتاب *السیع* و نیز در درس‌های فقهی در نجف با عنوان ولایت فقیه و حکومت اسلامی به صورت مبسوط‌تری به طرح موضوع پرداخت و دلایل اثبات ولایت فقها را ارائه نمود و اقامه حکومت را بر فقها واجب دانست. در مرحله سوم که در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ رخ داد، سخنرانی‌های پراکنده و مصاحبه‌های مختلف به جهت دفاع از تصویب اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جانب امام خمینی ایراد شد و در نهایت در مرحله چهارم، مجموعه اظهار نظرهای وی در باره محدوده اختیارات و شرایط ولی امر، طی چند نامه و سخنرانی طی سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸ در جواب استفتائات و اشکالات طرح شده از سوی مسئولان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی بیان گردید و در نهایت در وصیت نامه خود به کفایت در خصوص آن بحث نمود. نکته دیگر قابل ذکر آن که هر چند نظریه ولایت فقیه، پیش از آیت‌الله خمینی نیز در آثار برخی فقهای دیگر وجود داشت، اما وی با خارج نمودن آن از حالت فقهی و تبدیل آن به نظریه‌ای سیاسی با اتکا بر فقه، به پی ریزی نظام سیاسی جدیدی پرداخت و تشکیل حکومت اسلامی و مقدمات آن را بر همگان واجب شمرد (فوزی ۱۳۸۸: ۸۷-۸۵).

عمومی رهبر انقلاب، چه پیش و چه پس از انقلاب تا شهریور ۱۳۵۸ مطرح نشد. همچنین در پیش‌نویس قانون اساسی که به تصویب امام خمینی و برخی از مراجع نیز رسید، از ولایت فقیه ذکری به میان نیامده بود (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۲۹۷).^۱ برخی از نویسندگان پیش‌نویس معتقد بودند که وجود پنج فقیه در شورای نگهبان قانون اساسی - که در پیش‌نویس پیش‌بینی شده بود - ولایت فقیه را تأمین خواهد نمود (قلفی ۱۳۸۴: ۳۸۱).^۲ مطهری نیز از ولایت فقیه، به معنای ایدئولوژی که نقش ناظر بر اجرای درست و صحیح ایدئولوژی و نه یک حاکم را ایفا می‌کند، دفاع نموده بود (مطهری ۱۳۷۵: ۸۵).

البته بحث در خصوص نظارت فقها و ولایت فقیه، پیش از آغاز مجلس خبرگان شروع شده بود.^۳ در انتخابات خبرگان هم مفهوم ولایت فقیه به طور گسترده از سوی حزب جمهوری اسلامی و احزاب همراه آن به کار رفت و با پیروزی این حزب در انتخابات، اکثریت خبرگان از طرفداران این نظریه به شمار می‌آمدند (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۲۹۸) و حتی با صراحت از همان نخست اعلام کردند که قانونی را که ولایت فقیه در آن نباشد، تصویب نخواهند کرد (قلفی ۱۳۸۴: ۴۵۵). به هر

۱- منتظری نیز بعدها در این خصوص گفت: در پیش‌نویس قانون اساسی که جمعی از بزرگان به دستور امام خمینی آن را تهیه و تنظیم کرده بودند و به نقل از آقایان تهیه‌کننده، امام آن را پسندیده و به آن دعا کرده و اصرار داشتند هر چه زودتر به تصویب برسد تا ما به قم و به سراغ طلبگی خودمان برویم، اسمی از ولایت فقیه نبود؛ چه برسد به این که ولایت انتخابی باشد یا انتصابی. ولی در مجلس خبرگان قانون اساسی، جمعی از نمایندگان و از جمله اینجانب و مرحوم آیت‌الله بهشتی روی ولایت فقیه و اینکه در متن قانون اساسی ذکر شود، اصرار داشتیم (پرسش و پاسخ) به نقل از منتظری [۱۳۸۲: ۲۷]

۲- حبیبی گفته بود که از نظر نویسندگان پیش‌نویس، شورای نگهبان اعمال‌کننده نظرات ولایت فقیه یا بدیل آن در قانون اساسی است (قلفی ۱۳۸۴: ۳۸۱). فاطمه طباطبایی نیز در خاطرات خود آورده است: «شنیدم دکتر حبیبی در آن پیش‌نویس، «نظارت فقیه» را بر مجموعه حکومت از کتاب کشف / سرار امام استخراج کرده و امام نیز آن را پذیرفته بودند، اما در مجلس خبرگان، آیت‌الله منتظری از بحث‌های امام در نجف درباره حکومت اسلامی «ولایت فقیه» را بر مجموعه حکومت، برداشت کرده و آن را تبیین می‌کرد و بر تصویب آن نیز اصرار داشت ... پدرم برخی از بندهای پیش‌نویس را کامل‌تر می‌دانستند. در دیدارهای خود با امام نیز نظرشان را می‌گفتند، اما امام مایل نبودند در رأی خبرگان دخالت کنند...» (طباطبایی ۱۳۹۰: ۵۵۳).

۳- صدوقی در فاصله زمانی حدود ۵۰ روز مانده به آغاز به کار مجلس خبرگان، در مصاحبه‌ای به نظارت فقها اشاره نموده بود (روزنامه کیهان ۱۰ تیر ۱۳۵۸: ۶).

ترتیب در اواخر خرداد خواسته ولایت فقیه کم کم مطرح شد (حسینی زاده ۱۳۸۹: ۲۹۷) و به طور عمده دو گروه از این خواسته پشتیبانی می نمودند؛ گروه نخست روحانیون و علمایی چون آیت الله گلپایگانی^۱، آیت الله مرعشی نجفی^۲ و منتظری^۳ و گروه دوم غیر روحانیونی چون آیت بودند که از این نظریه دفاع می کردند و منتظری را به پی گیری آن تشویق می نمودند (احمدی امویی [به نقل از عزت اله سبحانی] ۱۳۸۲: ۵۰-۵۵؛ حسینی زاده ۱۳۸۹: ۲۹۸).

به این ترتیب از اواخر تیر ۱۳۵۸، مفهوم ولایت فقیه به خواست اصلی طرفداران اسلام فقهاتی بدل شده بود و این موضوع، نشانه اصلی گفتمان اسلام فقهاتی به شمار می آمد (حسینی زاده ۱۳۸۹: ۲۹۸). سرانجام با توجه به اکثریت نمایندگان مکتبی و هواخواه اسلام فقهاتی و با تصمیم اکثریت نمایندگان خبرگان، ولایت فقیه در قانون اساسی گنجانده شد. قانونی که بنابر آن، ولایت فقیه در مرکز ثقل قدرت و فراتر از همه قوا قرار می گرفت و کانون مشروعیت بخش نظام و هدایت گر و تصمیم گیرنده اصلی آن تلقی می شد (حسینی زاده ۱۳۸۹: ۲۹۸). تفصیل اصل پنجم در قانون اساسی، طی فصل هشتم آن و با عنوان «رهبری و شورای رهبری» آمد و در اصول صد و هفت تا صد و دوازده، توضیح و تفسیر شد. به ویژه در اصل صد و ده، وظایف و اختیاراتی به ولی فقیه تفویض شد که اهم آن به طور خلاصه عبارت از تعیین فقهای شورای نگهبان، نصب عالی ترین مقام قضائی کشور، فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلان جنگ و صلح، امضای حکم ریاست جمهوری، عزل رئیس جمهور و عفو و

۱- آیت الله گلپایگانی طی اطلاعیه ای گفته بود: اگر قانون اساسی به طور کامل طبق قوانین شرع تدوین نشود و مسئله اتکای حکومت به نظام امامت و ولایت فقیه در آن روشن نشود، حکومت بر اساس آن طاغوتی و ظالمانه خواهد بود... (روزنامه کیهان ۳۰ خرداد ۱۳۵۸: ۸).

۲- آیت الله مرعشی نجفی پیشنهاد داده بود که ولایت فقیه جامع الشرایط - که در هر عصری معتبر است - به اصول قانون اساسی افزوده شود (روزنامه کیهان ۱ مرداد ۱۳۵۸: ۱۰).

۳- منتظری در پیامی که در اواخر خرداد ۱۳۵۸ او در آستانه انتخابات انتشار یافت، هنوز هم به طور مشخص از ولایت فقیه نامی نبرده بود. هر چند اعلام داشت: بالاخره حکومت و قانون باید به فقهای که عادل و آشنا به حوادث و مسائل روز باشند، منتهی شود. وی همچنین باور داشت که سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه به یکدیگر مربوط هستند و از یکدیگر جدا نمی باشند و هر سه به فقیه عادل آشنا به مسائل روز منتهی می شوند (قلفی ۱۳۸۴: ۴۲۴).

تخفیف مجازات‌های محکومین بودند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۲: ۵۳-۵۸؛ فوزی ۱۳۸۴ ج: ۱: ۲۶۷).

مفهوم ولایت فقیه مدت‌ها به کانون منازعه‌های گفتگومانی در ایران تبدیل شد. در مجلس خبرگان نیز بر سر تصویب اصل ولایت فقیه و حدود و اختیارات ولی فقیه، بحث‌های مفصلی در گرفت. بهشتی در دفاع از اصل ولایت فقیه گفت:

اگر قرار است نظام آینده ما اسلامی باشد، در این صورت باید این نظام رهبری و مرکز ثقل اداره اش بر دوش کسانی باشد که چه از نظر آگاهی به اسلام و چه از نظر التزام و مقید بودن به وظایف یک مسلمان، در تمام وظایف فردی و سیاسی، خانوادگی و اجتماعی الگو و نمونه باشد. (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج: ۱: ۳۷۹)

وی که معتقد بود جامعه‌ای که او به دنبالش هست جامعه‌ای ایدئولوژیک است، سخن از جامعه مکتبی به میان آورد:

مردم آن جامعه قبل از هر چیز، مکتبی را انتخاب کرده‌اند. به محض اینکه مکتبشان را انتخاب کردند، در حقیقت اعلام کردند که از این به بعد باید همه چیز در چهارچوب مکتب باشد. انتخاب مکتب آزادانه صورت گرفته و با آزادی کامل، مکتب و مرام را انتخاب کرده‌اند. ولی با این انتخاب اولشان، انتخاب‌های دیگر را در چهارچوب مکتب محدود کرده‌اند. به این جامعه‌ها می‌گویند جامعه‌های ایدئولوژیک و یا مکتبی. (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج: ۱: ۳۸۰)

در مقابل، ولایت فقیه و اصول مربوط به حدود و اختیارات آن منتقدینی هم داشت. عزت‌اله سبحانی، ضمن تأکید بر اینکه نظارت اسلام شناسان در اصل شورای نگهبان، قابل قبول است، در مراسم شب هفتم در گذشت طالقانی اظهار داشت:

... و ما اصل ولایت فقیه را که یک اصل غیر قابل انکار مکتبی است، تا این حد می‌توانیم پیاده‌اش کنیم. ولی آن طرحی که نوعی حاکمیت و سرپرستی بلا رقیب، یعنی نوعی قدرت در مقابل قدرت حکومت است، در شرایط امروز نمی‌تواند قابل قبول باشد. زیرا هیچ فردی معصوم نیست و امکان خطا و اشتباه می‌رود و از طرف دیگر این قدرت در مقابل قدرت دولت و حکومت، جامعه را به دو قطب تقسیم کرده و نظم جامعه را به هم می‌زند و از نظر دینی هم، روحانیتی که ۱۴۰۰ سال در درون مردم بود و

پناه و ملجاء مردم در برابر ارباب زور و ستم بود، وقتی در مرکز قدرت قرار می‌گیرد، مسئولیت هر آنچه در جامعه اتفاق می‌افتد به عهده اوست و مردمی که طی ۱۴۰۰ سال به علت ظلم و ستم، نسبت به دستگاه‌های حکومتی و سیاسی بیگانه بودند، آن بیگانگی خودشان را متوجه روحانیت خواهند کرد و این برای خود روحانیت و برای اسلام خطرناک است... (روزنامه اطلاعات ۲۸ شهریور ۱۳۵۸: ۲)

وی با تشبیه بحث‌های پیش آمده بر سر عناوین مشروطه و مشروعه در انقلاب مشروطیت، با عناوین دموکراسی و ولایت فقیه، اعلام داشت که حوزه کار رئیس‌جمهور با ولایت فقیه اصولاً متفاوت است و فقیه به سبب خصلت کارش از یک سلسله خصایص باید برخوردار باشد که این خصایص برای اداره کشور، لازم هست اما کافی نیست و حاکم دارای خصایص بالاتری است (فوزی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۶۸ - ۲۶۷). رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای نیز که مورد حمایت حزب خلق مسلمان در آذربایجان شرقی بود، در سخنانش در مجلس خبرگان، ضمن پذیرش موضوع ولایت فقیه در اصل، انتقادهایی به چگونگی تنظیم آن داشت. وی که از در انحصار قرار گرفتن اسلام در دست یک طبقه خاص نگران بود، شخصیت امام خمینی را استثنائی می‌دانست که لزومی بر تکرار آن نبود (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج ۱: ۳۷۵). بنی‌صدر نیز به اعطای اختیارات فوق‌العاده به علمای دین در قانون اساسی برای کنترل مجامع جریان‌های کشور انتقاد داشت (رضوی ۱۳۷۶: ۲۷۱). او در حدود یک هفته پس از تصویب موضوع ولایت فقیه در مجلس خبرگان، در مراسمی که پس از گذشت طالبانی و به جهت تجلیل از او برگزار شده بود گفت:

هفته پیش در محضر امام گفتم چنانچه بخواهیم اختیارات ویژه‌ای به فقیه بدهیم، پس احزاب آزاد حرف مفت است. دیگر قانون اساسی لازم نیست... (روزنامه اطلاعات ۲۸ شهریور ۱۳۵۸: ۲)

وی همچنین در مجلس خبرگان (و البته در جلساتی که به لحاظ زمانی پیش از جلسه مربوط به تصویب موضوع ولایت فقیه بود) اظهار داشته بود:

تمام روز نمایندگان صحبت از ولایت فقیه کردند و کسی نگفت این فقیهی که می‌تواند باشد کیست؟ کجاست؟ آن فقیهی که می‌تواند جامعیت امام را داشته باشد

و اگر چنین شخصی نیست باید مجموعه متصدیان قوای حاکم، فقیه صاحب صلاحیت تلقی شود. (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج ۱: ۹۳)

در نظر مدافعین ولایت فقیه، چون فقیه از جانب خدا عمل می نمود، تصور اینکه به دیکتاتوری دچار شود اشتباه بود. در واقع تصور آن بود که فقیه برای نجات مردم از مردم فریبان و مستبدان، در امور حکومتی دخالت کرده و خود به دلیل تکیه بر عدالت و تقوای درونی گرفتار استبداد نمی شود (حسینی زاده ۱۳۸۹ : ۳۰۰). در مقابل، مخالفان به عدم یافتن چنین فقیهی در همه زمانها اشاره کرده (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج ۱: ۳۷۵) و معتقد بودند که اگر فقیه مرتکب یک خطای فاحش شود، به لعن و نفرین علما و بدنامی تشیع منجر خواهد شد (حسینی زاده ۱۳۸۹ : ۳۰۰).

در میان نظرات خبرگان، انتقاد به اختیارهای گسترده فقیه - و نه مخالفت با اصل ولایت فقیه - نیز وجود داشت. ناصر مکارم شیرازی، اختیارهای رهبری را منحصر در تعیین فقهای شورای نگهبان و امضای حکم ریاست جمهوری می دانست و بقیه را یا تشریفاتی قلمداد می کرد و یا مسائلی که اگر چه تشریفاتی نبودند اما بدون دلیل شرعی تمرکز قدرت می آوردند (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج ۲: ۱۲۰۱). در سویی دیگر، منتظری از اختیارات گسترده فقیه سرسختانه دفاع می کرد و حتی خواستار آن شد که رئیس جمهور، پس از معرفی و تأیید از سوی فقیه، قابلیت قرار گرفتن در معرض آرای عمومی را پیدا کند (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج ۲: ۱۱۱۹).

آنچنان که منتظری - که رئیس مجلس خبرگان بود - در خاطرات خود آورده است، از دیگر مخالفین سرشناس اصل ولایت فقیه، طالقانی بود:

یادم هست یک روز که ما می خواستیم برای همین اصل استدلال کنیم، مرحوم آقای طالقانی مخالف بودند و گفتند آقای شریعتمداری هم مخالف است. من گفتم آقای شریعتمداری موافق است ... من و مرحوم آقای بهشتی و آقای ربانی شیرازی و بعضی افراد دیگر از جمله آقای دکتر سید حسن آیت روی این قضیه اصرار داشتیم. البته بعضی ها هم مثل آقای طالقانی و آقای بنی صدر با آن مخالف بودند... (منتظری ۱۳۷۹ ج ۱: ۴۵۶-۴۵۵)

طالقانی که شاید هیچ کس به اندازه او در شکل گیری مجلس خبرگان و حتی نام گذاری او نقش نداشت و به واسطه حدود دو میلیون رأی که در قامت منتخب اول پایتخت کسب نمود، هیچ کس

همچون او موفق به جلب آرای گسترده مردم نشده بود، در حالی که حضوری متفاوت^۱ و کم‌رنگ در مجلس خبرگان داشت («حاشیه نشین حاشیه ساز» ۱۳۸۹: ۴۱ - ۴۰)، کمتر از یک هفته مانده به تصویب اصل ولایت فقیه در گذشت. بازرگان در مراسم درگذشت طالقانی، گفت:

... امیدوارم نگرانی مرحوم طالقانی که تا پیش از مرگ همراهش بود نیز برطرف گردد. این نگرانی به خاطر قانون اساسی بود و می‌ترسید که خدای ناکرده قانون اساسی به گونه‌ای که مورد نظر او و امام خمینی است، تدوین نشود... (روزنامه کیهان ۲۱ شهریور ۱۳۵۸: ۳)

این اظهارات، با پاسخ جدی بهشتی که در عمل نبض مجلس خبرگان و معماری قانون اساسی را در دست داشت، در فردای آن روز روبرو شد:

برای من و دوستانمان، خیلی بیشتر اظهار نگرانی آقای مهندس بازرگان، نخست‌وزیر مورد علاقه من در سخنرانی دیروزشان مورد توجه بود. زیرا از سخنان ایشان، نگرانی از کار مجلس خبرگان استشمام می‌شد... (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج ۱: ۳۷۱)^۲

پاسخ‌هایی که به دایره مجلس خبرگان و مسئله ولایت فقیه محدود نماند و از آن هم فراتر رفت:

ایشان از چه چیزی نگران هستند؟ از اینکه نمایندگان به راستی میلیون‌ها مسلمان انقلابی ایران اینجا گرد هم آمده‌اند تا قانون اساسی را بر پایه اصالت‌های اسلام بررسی و تصویب کنند نگرانند؟ از اینکه مسئله مهم شوراها از آن غفلت شده نگرانند؟ ما در عالم هم‌زیمی با یارانمان از این حساب‌ها نداشتیم. ما در طول این مدت چند ماهه حکومت ایشان، چون حکومت منتخب خود ما و ملت از طریق امام هستند، حکومت پیشنهادی شورای انقلاب هستند، همواره وظیفه خود می‌دانستیم و می‌دانیم و وظیفه خواهیم داشت که ایشان را در ایفای نقش پرمسئولیتشان یاری کنیم. ولی این تعهد متقابل را ایشان در برابر ما، در برابر شورای انقلاب و در برابر

۱- طالقانی معتقد بود که بهتر است جلسات خبرگان به جای کاخ سنا در یک مکان مقدس - مثل یکی از مساجد مشهور - تشکیل شود. او از نشست بر روی صندلی‌های این مجلس پرهیز داشت و ترجیح می‌داد روی زمین بنشیند (روزنامه اطلاعات ۱ شهریور ۱۳۵۸: ۱).

۲- جالب آنکه این اظهارات، در همان روز - ۲۱ شهریور ۱۳۵۸ - و همان جلسه‌ای انجام پذیرفت که اصل پنجم قانون اساسی، مشهور به اصل ولایت فقیه، در مجلس خبرگان به تصویب رسید.

مجلس خبرگان و نمایندگان منتخب ملت ندارند... (مشروح مذاکرات خبرگان

۱۳۶۴ ج ۱: ۳۷۱)

شهید بهشتی اصل پنجم را منتج به نفی آرای عمومی و از بین بردن آزادی‌ها و اختصاص حکومت به قشری معین و روحانیون نمی‌دانست و پیشنهاد مرکزیت ثقل رهبری و اداره امور مردم توسط فقیه با شرایط ویژه ذکر شده در اصل پنجم - و یا فقهای واجد شرایط - را به جهت برخورداری از نظامی اجتماعی اسلامی در آینده ارائه می‌داد (مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۴ ج ۱: ۳۷۸-۳۷۷).^۱

به هر ترتیب اصل ولایت فقیه در پانزدهمین جلسه مجلس خبرگان که بنی‌صدر و علی گلزاده غفوری در آن غایب بودند (شادلو ۱۳۸۸: ۸۶)،^۲ با اکثریت پنجاه و سه نفر موافق در مقابل هشت مخالف و چهار ممتنع به تصویب رسید (راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۳ ۱۳۶۸: ۶۰).

امام خمینی نیز پس از تصویب اصل پنجم قانون اساسی، مشهور به اصل ولایت فقیه، مطالبی را در حمایت از ولایت فقیه ابراز نمود:

من به همه ملت، به همه قوای انتظامی، اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد. گویندگان و نویسندگان نترسند از حکومت اسلامی، و نترسند از ولایت فقیه. ولایت فقیه آن‌طور که اسلام مقرر فرموده است و ائمه ما نصب فرموده‌اند به کسی صدمه وارد نمی‌کند؛ دیکتاتوری به وجود نمی‌آورد، کاری که برخلاف مصالح مملکت

۱- البته مسئله چگونگی تدوین قانون اساسی دست کم برای بازرگان تا پایان عمر دولت موقتش حل نشد. وی در پیامی خداحافظی‌اش با مردم به تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۵۸ گفت: ... و نگرانی ما این است که می‌بینیم با این مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و تغییراتی که در قانون اساسی و تغییراتی که در پیش‌نویس قانون اساسی داده‌اند، بیم این می‌رود که بعد هم باز مملکت چند قطبی شود و کسی تکلیف خودش را نداند و عوامل متعددی روی دولت و مسئولین عمل بکند؛ قطب اداری، قطب اجتماعی، قطب سیاسی، قطب دینی، قطب اقتصادی و ما با این نگرانی بزرگ ترک می‌کنیم که مملکت بعد از تصویب قانون اساسی باز هم دچار هرج و مرج باشد و حاکمیت طبقاتی بر آن حکمفرما باشد و امیدوارم که این نگرانی مرتفع شود (روزنامه اطلاعات ۱۷ آبان ۱۳۵۸: ۲).

۲- شایان ذکر است که ۶۵ نفر از کل اعضای خبرگان - که ۷۳ نفر بودند - برای رأی دادن به این اصل حاضر بودند (راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸: ۶۰).

۳- در ادامه مقاله، از این منبع به اختصار با عنوان «راهنمای مشروح مذاکرات خبرگان» یاد خواهد شد.

است انجام نمی‌دهد، کارهایی که بخواهد دولت یا رئیس‌جمهور یا کس دیگری برخلاف مسیر ملت و برخلاف مصالح کشور انجام دهد، فقیه کنترل می‌کند، جلوگیری می‌کند. برخلاف مسیر اسلام و ملت حرکت نکنید. شما از اسلام نترسید، از فقیه نترسید؛ از ولایت فقیه نترسید. شما هم مسیر همین ملت را طی کنید و با ملت باشید، حساب خودتان را از ملت جدا نکنید؛ نشینید پیش خودتان طرح بریزید و پیش خودتان برنامه درست کنید. شما باید دنبال ملت باشید. باید هوادار ملت باشید. شما اینقدر اشکال به برنامه‌های اسلامی نکنید. شمایی که از اسلام هستید لکن از اسلام درست اطلاع ندارید، مُسَلِّم هستید لکن از احکام اسلام درست مطلع نیستید، شیعه هستید لکن از احکام ائمه - علیهم السلام - درست مطلع نیستید؛ اینقدر کارشکنی نکنید. ملت رأی داده است به جمهوری اسلامی، همه باید تبعیت کنید؛ اگر تبعیت نکنید محو خواهید شد. برخلاف مسیر ملت، برخلاف مسیر اسلام، راهی را پیش نگیرید ... نگویید ما ولایت فقیه را قبول داریم، لکن با ولایت فقیه اسلام تباه می‌شود! این معنایش تکذیب ائمه است؛ تکذیب اسلام است ... از مجلس خبرگان کناره‌گیری نکنید. این کناره‌گیری از ملت است؛ کناره‌گیری از اسلام است. کارشکنی نکنید برای مجلس خبرگان، که این برخلاف مسیر ملت است؛ برخلاف مسیر اسلام است ... (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۱۰: ۵۹-۵۸).

وی همچنین اظهار داشت:

به حرفهای آنهايي که برخلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشنفکر حساب می‌کنند و می‌خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند [اعتنا نکنید] اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا، یا طاغوت، یا خداست، یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد، رئیس‌جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است. وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است ... شما نترسید از این چهار نفر آدمی که نمی‌فهمند اسلام چه است؛ نمی‌فهمند فقیه چه است؛ نمی‌فهمند که ولایت فقیه یعنی چه. آنها خیال می‌کنند که یک فاجعه به جامعه است! اینها اسلام را فاجعه می‌دانند، نه ولایت فقیه را ... ولایت فقیه، تبع اسلام است ... کسانی که با ولایت فقیه مخالفت می‌کنند برخلاف این چیزی که ملت آنها را تعیین کرده است عمل می‌کنند، وکالت ندارند در این امر ... آقایان بعضیشان می‌گویند مسئله ولایت فقیه یک مسئله «تشریقاتی» باشد،

مضایقه نداریم. اما اگر بخواهد ولی، دخالت بکند در امور، نه، ما آن را قبول نداریم -
 حتماً باید یک کسی از غرب بیاید دخالت بکند!؟ - ما قبول نداریم که یک کسی اسلام
 تعیین کرده او دخالت بکند. اگر متوجه به لوازم این معنا باشند، مرتد می‌شوند! لکن
 متوجه نیستند. (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۱۰: ۲۲۳ - ۲۲۱).

طرح انحلال مجلس خبرگان

نبض مجلس خبرگان در دست مکتبی‌ها بود و هواخواهان اسلام فقاهتی با اتکا به اکثریت خود
 درون مجلس و وجود حامی بزرگ بی‌بدیلی به نام امام خمینی در بیرون مجلس و در قامت رهبر
 انقلاب، قادر به تثبیت خواسته‌های گفتمانی خود در تدوین قانون اساسی بودند. در چنین شرایطی
 شماری از افراد طیف مقابل، از زاویه‌ای دیگر به موضوع ورود پیدا نمودند و در اوایل پاییز ۱۳۵۸،
 طرح انحلال مجلس خبرگان به علت تجاوز زمان فعالیت آن از سی روز از پیش تعیین شده و طولانی
 شدنش مطرح گردید (حسینی‌زاده ۱۳۸۹: ۳۰۴). این طرح که صورت‌بندی شده در جلسه‌ای به تاریخ
 ۱۸ مهر ۱۳۵۸ و با حضور انوری، مرادنیای، رضی، مقدم مراغه‌ای، سمیعی، پولادی، ابوالفتح بنی‌صدر،
 امیر انتظام و صدر حاج سید جوادی بود، تهیه و توسط امیر انتظام به بازرگان تحویل شد و اکثریت
 وزرا هم با آن موافقت نمودند (روزنامه اطلاعات ۹ تیر ۱۳۵۹: ۱).^۱ اما تصمیم بر آن شد که تا امام
 خمینی اجازه ندهد، موضوع انتشار نیابد و از این رو فردای آن روز، بازرگان و عده‌ای از اعضای

۱- قدوسی، دادستان کل انقلاب اسلامی، در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در تاریخ ۸ تیر ۱۳۵۹، به نامه‌ای به قلم امیرانتظام
 اشاره کرد که بر حسب آن، اطلاعات یاد شده اعلام شدند. بر همین اساس، اسامی کسانی که به امضای طرح مبادرت
 نمودند، عبارت بودند از: ایزدی، اسلامی، سامی، حبیبی، رجایی، یداله سبحانی، عزت اله سبحانی، احمدزاده، کتیرایی،
 اردلان، صباغیان، فروهر، صدر حاج سید جوادی، صدر، اسپهبدی و بنی‌اسدی. (نفر هفدهم در نامه قید نشده بود و
 حسب متن نامه، قرار بود بازرگان در جلسه امضای خودش را بکند.) (روزنامه اطلاعات ۹ تیر ۱۳۵۹: ۱) گفتنی است
 به گفته امیر انتظام، چهار نفر از وزرا از امضای آن خودداری کردند که عبارت بودند از معین‌فر، چمران، ابراهیم یزدی
 و میناچی (اسماعیلی ۱۳۸۴: ۱۳۳) البته در وب‌سایت امیرانتظام و به نقل از خاطره‌ای از صدر حاج سید جوادی، به
 جای نام چمران، نام صباغیان آمده است (نقل از «وب‌سایت مهندس عباس امیرانتظام» در شبکه اینترنت به نشانی:

<http://iran-amirentezam.com/node/68>

گفتنی است که نام خود بازرگان نه در موافقین دیده می‌شود و نه در مخالفین.

هیأت دولت، به دیدن امام خمینی رفته و طرح خود را مطرح کردند (روزنامه اطلاعات ۹ تیر ۱۳۵۹: ۱). اما امام خمینی، نه تنها آن را تأیید نکرد، بلکه با آن مخالفت نیز نمود. وی طی دیداری که با نمایندگان اقبشار مختلف مردم و عشایر داشت، طی سخنانی^۱ اظهار نمود:

در مجلس خبرگان به مجرد اینکه صحبت ولایت فقیه شد، شروع کردند به مخالفت. حتی در آخر این اخیراً، در همین دو روز - سه روز پیش از این، در یکی از مجالسشان این منحرفین، اینهایی که از اسلام هیچ اطلاع ندارند، اینهایی که مخالف با اسلام هستند، در مجالسشان گفتند که این مجلس خبرگان باید منحل بشود! و دیگران هم دست زدند برای آن یا تظاهر کردند. اینها از مجلس خبرگان می‌ترسند، برای اینکه مجلس خبرگان می‌خواهند ولایت فقیه را اثبات کنند ... مگر شما می‌توانید که مجلس خبرگانی که ملت با آن آراء زیاد این مجلس را درست کرده با یک کلمه‌ای که شما بگویید «ما می‌گوییم که منحل باشد» مگر با این حرفها شما می‌توانید، مگر شما قابل آدم هستید! اگر چنانچه ولایت فقیه بشود، دیگر همه قدرتها دست فقیه می‌آید! پس بنابراین عزا باید بگیرید! ... هر چه شما قدم برخلاف اسلام بردارید، این جمعیت مصمم‌تر می‌شود. بیخود آبروی خودتان را نبرید! بیخود هی مقاله ننویسید. بیخود هی صحبت نکنید، زحمت به خودتان ندهید. ملت همان ملت است؛ و راه هم همان راه است؛ و دارند می‌روند. شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی‌خواهد به مردم زورگویی کند. اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد ... ولایت فقیه، ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود ... ولایت فقیه، ضد دیکتاتوری است؛ نه دیکتاتوری. چرا این قدر به دست و پا افتاده‌اید و همه‌تان خودتان را پریشان می‌کنید بیخود؟ هر چه هم پریشان بشوید و هر چه هم بنویسید، کاری از شما نمی‌آید... (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۱۰: ۳۱۱-۳۰۷)

امام خمینی بعدها و پس از استعفای دولت موقت نیز بر این نظر خود پای فشرد:
 قضیه طرح آنکه مجلس خبرگان منحل بشود که در زمان دولت موقت این طرح شد و بعد هم معلوم شد که اساسش از امیر انتظام بوده و آن مسائل. آن وقت آمدند

۱- این سخنان در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۵۸ ایراد گردیدند.

آقایان پیش ما؛ همه این آقایانی که، آقای بازرگان و رفقایش گفتند: ما خیال داریم این مجلس را منحلش کنیم. من گفتم: شما چه کاره هستید اصلش که می‌خواهید این کار را بکنید! شما چه سمتی دارید که بتوانید مجلس منحل کنید؟ پا شوید بروید سراغ کارتان. وقتی دیدند محکم است مسئله، کنار رفتند. (امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۱۴: ۴۳۸)^۱

به این ترتیب، لیبرال‌ها در رویارویی با مکتبی‌ها، صحنه را واگذار کردند و قانون اساسی جدید متکی بر ولایت فقیه، آماده همه پرس‌سی گردید.^۲

همه پرس‌سی قانون اساسی

مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس فصل چهارم آیین‌نامه داخلی خود، کار بررسی و تصویب اصول قانون اساسی را طی شصت و هفت جلسه به انجام رساند. در این میان علاوه بر متن پیش‌نویس، شصت و پنج مورد اظهار نظر کلی و هزاران پیشنهاد نیز در خصوص اصول قانون اساسی به دبیرخانه مجلس خبرگان رسید که مورد استفاده اعضای این مجلس به جهت تهیه و تنظیم نهایی اصول قانون اساسی قرار گرفت (راهنمای مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۸: ۶۰). در نهایت و در حالی که پیش‌نویس قانون اساسی ارائه شده از سوی دولت موقت به مجلس خبرگان ۱۵۱ اصل داشت (هاشمی ۱۳۷۴ ج ۱: ۳۱)، قانون اساسی نهایی مجلس خبرگان با ۱۷۵ اصل، صورت‌بندی و نهایی گردید (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۲: ۱۹).^۳ در خاتمه کار، بر اساس لایحه قانون مصوب مورخ ۲۰ آبان ۱۳۵۸ شورای انقلاب که اظهار نظر نهایی نسبت به متن قانون اساسی مصوب مجلس بررسی نهایی قانون اساسی را از طریق رأی «آری» یا «نه» بر عهده آحاد ملت مقرر داشته بود، این قانون در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به همه پرس‌سی

۱- این سخنرانی در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۶۰ صورت پذیرفت.

۲- آبراهامیان، محصول نهایی خبرگان را ترکیبی از نگره ولایت فقیه و دیدگاه جمهوری پنجم فرانسه و حقوق الهی و حقوق بشر، بین تئوکراسی و دموکراسی و بین اقتدار روحانی و حاکمیت مردمی می‌داند (آبراهامیان ۱۳۸۹: ۲۹۱).

۳- تعداد ۲۳ اصل از اصول موجود در پیش‌نویس قانون اساسی وجود داشتند که در قانون اساسی نهایی، اصلی‌جانشین آنها نشد. هر چند مضمون و محتوای بعضی از این اصول، به بیانی دیگر و با تغییراتی در باره‌ای از اصول قانون اساسی گنجانده شد (راهنمای مشروح مذاکرات خبرگان ۱۳۶۸: ۲۸۳).

گذاشته شد (هاشمی ۱۳۷۴ ج ۱: ۳۲) و بیش از ۹۹ درصد شرکت کنندگان در فراندوم به آن رأی مثبت دادند (روزنامه اطلاعات ۱۴ آذر ۱۳۵۸: ۲).

بدین ترتیب محصول نهایی برآمده از پس این کش و قوس‌های فراوان، در مقام میثاق ملی لازم‌الاتباع کشور، نخستین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نام گرفت و در حدود یک دهه نیز بی‌تغییر ماند.

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با گذشت حدود ده سال از تصویب قانونی و تأیید مردمی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در حالی که جنگ میان عراق و ایران به عنوان اولی‌ترین دغدغه کشور نیز به پایان رسیده بود، بحث بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت رسمی از جانب امام خمینی مطرح گردید. وی در فاصله زمانی کمتر از دو ماه مانده به درگذشت خود، طی حکمی به رئیس‌جمهور، هیأتی را مأمور تدوین متمم قانون اساسی نمود:

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران - دامت افاضاته

از آنجا که پس از کسب ده سال تجربه عینی و عملی از اداره کشور، اکثر مسئولین و دست‌اندرکاران و کارشناسان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده‌اند که قانون اساسی با اینکه دارای نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه است، دارای نقایص و اشکالاتی است که در تدوین و تصویب آن به علت جو ملتهب ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت دقیق معضلات اجرایی جامعه، کمتر به آن توجه شده است، ولی خوشبختانه مسئله تمیم قانون اساسی پس از یکی- دو سال نیز مورد بحث محافل گوناگون بوده است و رفع نقایص آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر جامعه اسلامی و انقلابی ماست و چه بسا تأخیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد. و من نیز بنا بر احساس تکلیف شرعی و ملی خود از مدت‌ها قبل در فکر حل آن بوده‌ام که جنگ و مسائل دیگر مانع از انجام آن می‌گردید.

اکنون که به یاری خداوند بزرگ و دعای خیر حضرت بقیة الله - روحی له الفداء - نظام اسلامی ایران راه سازندگی و رشد و تعالی همه جانبه خود را در پیش گرفته است، هیأتی را برای رسیدگی به این امر مهم تعیین نمودم که پس از بررسی و

تدوین و تصویب موارد و اصولی که ذکر می‌شود، تأیید آن را به آرای عمومی مردم شریف و عزیز ایران بگذارند.

الف- حضرات حجج اسلام و المسلمین و آقایانی که برای این مهم در نظر گرفته‌ام:

۱- آقای مشکینی ۲- آقای طاهری خرم‌آبادی ۳- آقای مؤمن ۴- آقای هاشمی رفسنجانی ۵- آقای امینی ۶- آقای خامنه‌ای ۷- آقای موسوی (نخست وزیر) ۸- آقای حسن حبیبی ۹- آقای موسوی اردبیلی ۱۰- آقای موسوی خوئینی ۱۱- آقای محمدی گیلانی ۱۲- آقای خزعلی ۱۳- آقای یزدی ۱۴- آقای امامی کاشانی ۱۵- آقای جنتی ۱۶- آقای مهدوی کنی ۱۷- آقای آذری قمی ۱۸- آقای توسلی ۱۹- آقای کروی ۲۰- آقای عبدالله نوری که آقایان محترم از مجلس خبرگان و قوای مقننه و اجراییه و قضاییه و مجمع تشخیص مصلحت و افراد دیگر و نیز پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس انتخاب شده‌اند.

ب- محدوده مسائلی مورد بحث:

۱- رهبری ۲- تمرکز در مدیریت قوه مجریه ۳- تمرکز در مدیریت قوه قضاییه ۴- تمرکز در مدیریت صدا و سیما به صورتی که قوای سه‌گانه در آن نظارت داشته باشند ۵- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۶- مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد ۷- راه بازنگری به قانون اساسی ۸- تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی

ج- مدت برای این کار حداکثر دو ماه است.

توفیق حضرات آقایان را از خداوند متعال خواستارم ... (امام خمینی ۱۳۸۶ ج

۲۱: ۳۶۴-۳۶۳)^۱

بدین ترتیب کار بازنگری در قانون اساسی با تشکیل و افتتاح «شورای بازنگری قانون اساسی» آغاز گردید. موضوعات طرح شده در دستور رهبر انقلاب، طی ۴۱ جلسه از تاریخ ۷ اردیبهشت

۱- تاریخ ابلاغ این حکم، ۴ اردیبهشت ۱۳۶۸ است. رهبر انقلاب پس از ابلاغ این حکم نیز مورد مشورت افراد هیأت تعیین شده در امر تدوین متمم قانون اساسی قرار گرفت که در این خصوص می‌توان به پاسخ وی به مشکینی - رئیس وقت مجلس خبرگان - و اعلام نظر مبنی بر عدم لزوم شرط مرجعیت برای رهبری در قانون اساسی بازنگری شده اشاره نمود (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۸۶ ج ۲۱: ۳۷۱).

۱۳۶۸ تا تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۶۸ در این شورا مورد بررسی قرار گرفت و مجموعاً ۴۶ اصل، اصلاح و تغییر یافت. همچنین دو اصل دیگر^۱ نیز به اصول قانون اساسی اضافه گردید و قانون اساسی بازنگری شده، در زمانی که دیگر امام خمینی در قید حیات نبود، آماده همه‌پرسی گردید (فوزی ۱۳۸۴ ج ۲: ۲۲۶). همه‌پرسی مذکور نیز در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۶۸ و در فاصله ده روز پس از تصویب قانون اساسی جدید برگزار شد (راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۲ ۱۳۷۳: ۱۰۳) و با آرای «آری» حدود ۹۷ درصد شرکت‌کنندگان به تصویب ملت رسید (روزنامه کیهان ۸ مرداد ۱۳۶۸: ۱) و قانون اساسی با اصلاحات جدید، از تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۶۸ در کشور به اجرا درآمد (راهنمای مشروح مذاکرات بازنگری ۱۳۷۳: ۱۰۳). این گونه بود که سرگذشت قانونی که نقطه عزیمتش به دوران تبعید رهبر انقلاب در فرانسه باز می‌گشت، به ایستگاهی مختوم شد که تاکنون نیز پایانی بر تاریخچه‌اش بوده است.

جمع‌بندی

فکر تدوین و تنظیم قانون اساسی جدیدی برای کشور، وقتی در اذهان جریان‌ها و افراد مخالف حکومت پهلوی و در رأس آنها آیت الله خمینی رنگ جدی‌تری به خود گرفت که سقوط شاه احتمال زیادی پیدا کرده بود. از این رو بود که رهبر انقلاب که آخرین روزهای تبعید خود را در فرانسه می‌گذراند، حیبی را مأمور تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جدیدی نمود که بتواند پاسخ‌گوی نیازمندی‌های کشور انقلابی بر اساس آموزه‌های اسلامی باشد. با بازگشت امام خمینی به ایران، امر تدوین قانون اساسی با تکمیل پیش‌نویس‌ها به صورت جدی‌تری دنبال شد و در مرحله بعدی، پیش‌نویس از پاریس آمده با پیش‌نویس عده‌ای از حقوقدانان مخالف حکومت پهلوی تلفیق و به

۱- اصل ۱۷۶ مربوط به فصل ۱۳ و در ارتباط با موضوع «شورای عالی امنیت ملی» و اصل ۱۷۷ مربوط به فصل ۱۴ و در ارتباط با موضوع «بازنگری قانون اساسی». به علاوه و بر اساس مواد ۱ و ۲ تغییرات بازنگری، عبارت «مجلس شورای ملی» در تمامی اصول و سرفصل‌ها و مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به «مجلس شورای اسلامی» و عنوان فصل ۱۳ از «رسانه‌های گروهی» به «صدا و سیما» تغییر یافت (راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۳: ۱۹-۱۸).

۲- در ادامه مقاله، از این منبع به اختصار با عنوان «راهنمای مشروح مذاکرات بازنگری» یاد خواهد شد.

دولت موقت تحویل گردید. دولت موقت نیز با انجام جرح و تعدیل‌هایی بر روی آن، حاصل کار را به شورای انقلاب تحویل داد. شورای انقلاب هم نظرات خود را بر روی آن اعمال و پیش‌نویسی که از این صافی‌های متعدد عبور نموده بود، برای کسب نظر به حضور امام خمینی و برخی از مراجع فرستاده شد. با دریافت نظرات امام خمینی و مراجع، این پیش‌نویس به نقطه پایانی خود رسید و مقرر گردید تا در گام آخر پیش‌نویس تدوین شده به تأیید مردم برسد.

در این مرحله بود که بر سر چگونگی این اخذ تأیید، اختلاف نظرهایی در میان جریان‌های انقلابی و به‌طور کلی در میان لیبرال‌های هواخواه گفتمان اسلام لیبرال و مکتبی‌های هواخواه گفتمان اسلام فقهاتی بروز نمود. عمده افراد طیف نخست خواهان برگزاری انتخابات آزاد مجلس مؤسسان - حسب وعده‌های از پیش ارائه شده رهبر انقلاب - و بررسی پیش‌نویس در آن بودند و اغلب مکتبی‌ها، با نگرانی از ائتلاف وقت ناشی از تشکیل مجلس مؤسسان و احتمال وقوع خطرات تهدید کننده انقلاب، خواهان به همه‌پرسی گذاشتن مستقیم پیش‌نویس به آرای عمومی بودند. اختلاف نظر این دو طیف، در نهایت در حضور امام خمینی و با تدبیر طالقانی - مبنی بر تشکیل مجلسی کوچک با مأموریتی مشابه مأموریت مجلس مؤسسان که می‌توانست به سرعت تشکیل و پیش‌نویس را صورت‌بندی نهایی نماید - مرتفع گردید. این‌گونه بود که انتخابات این مجلس - که به مجلس خبرگان مشهور شد و نخستین انتخابات رسمی جمهوری اسلامی به حساب می‌آمد - برگزار گردید و بیشتر صندلی‌های آن به هواخواهان گفتمان اسلام فقهاتی اختصاص یافت که سردمداران آن در مجموع، اصراری بر تشکیل مجلس مؤسسان هم نداشتند.

مجلس خبرگان که رنگ و بوی غالب مکتبی یافته بود، کار بررسی پیش‌نویس قانون اساسی را به جریان انداخت و در این میان، مفهومی کلیدی را ذیل عنوان اصل ولایت فقیه به قانون اساسی وارد نمود که بر سر تصویب آن، بحث‌های متمادی در داخل و بیرون مجلس خبرگان انجام پذیرفت. البته طرح و بحث و بسط این موضوع، در آراء امام خمینی مسبوق به سابقه بود و اوج مباحث رهبر انقلاب در این باره، به ایام تبعید وی در نجف باز می‌گشت. به هر ترتیب و با وجود آنکه به‌رغم تأیید نهایی پیش‌نویس قانون اساسی توسط امام خمینی و شماری از مراجع، بر چنین مفهومی در پیش‌نویس قانون اساسی پیش از تحویل به مجلس خبرگان تصریح نشده بود، این مفهوم به قانون اساسی وارد و از آن پس در شمار یکی از ممیزه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی در آمد. در این میان برخی از طرفداران

گفتمان اسلام لیبرال خواستار انحلال مجلس خبرگان شدند. خواسته‌ای که مخالفت شدید امام خمینی را به دنبال داشت و این گونه بود که مجلس خبرگان، خروجی خود با محوریت ولایت فقیه را به معرض همه‌پرسی گذاشت. مردم نیز نظر مثبت خود به قانون اساسی جدید را ابراز نمودند و شالوده قانون اساسی حکومت جدید به تصویب ملت رسید. این قانون تا حدود یک دهه بعد تغییری نیافت و چندی مانده به درگذشت امام خمینی بود که با تشکیل شورای بازنگری در قانون اساسی به دستور رهبر انقلاب، انجام بازنگری در بخش‌هایی از قانون اساسی پیشین توسط افرادی که از طرف امام خمینی به جهت انجام این بازنگری منصوب و مأمور شده بودند، آغاز گردید و آخرین نسخه قانون اساسی با انجام اصلاحاتی در قانون اساسی نخست جمهوری اسلامی توسط آنها ارائه گردید و پس از درگذشت امام خمینی با برگزاری همه‌پرسی به تأیید مردم رسید تا این نقطه، پایانی بر سیر پر نشیب و فراز تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاکنون باشد.

منابع

- «پرسش و پاسخ با آقایان منتظری، سبحانی، صدر حاج سید جوادی و بهشتی پیرامون پیش نویس قانون اساسی در اوایل انقلاب». (۱۳۸۲) نشریه سیاسی - فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی نامه، شماره ۲۶.
- «حاشیه نشین حاشیه ساز». (۱۳۸۹) ماهنامه سیاسی - فرهنگی نسیم بیداری، سال اول، شماره ۱۰.
- احمدی‌امویی، بهمن. (۱۳۸۲) اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی، تهران: گام نو، چاپ اول.
- اسماعیلی، خیرالله. (۱۳۸۴)، دولت موقت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹) تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، چاپ چهارم.
- برزین، سعید. (۱۳۷۴) زندگی‌نامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، تهران: مرکز، چاپ دوم.
- بنی‌صدر، سید ابوالحسن. (۱۳۸۰) خاطرات ابوالحسن بنی‌صدر (اولین رئیس‌جمهور ایران)، به کوشش حمید احمدی، پاریس: انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۷۷) مبانی نظری قانون اساسی، تهران: بقعه، چاپ اول.
- حسینی‌زاده، سید محمدعلی. (۱۳۸۹) اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید، چاپ دوم.
- خجسته رحیمی، رضا. (۱۳۸۷) «احمد آقا طرف مکلاها بود»؛ گفتگو با سیدصادق طباطبایی، هفته‌نامه خبری - تحلیلی شهروند امروز، سال سوم، شماره ۴۹.
- خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۶) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.

- راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳)، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۸)، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- رضوی، مسعود. (۱۳۷۶) هاشمی و انقلاب، تهران: همشهری، چاپ اول.
- روزنامه اطلاعات ماه‌های شهریور، آبان و آذر سال ۱۳۵۸ و ماه تیر سال ۱۳۵۹.
- روزنامه کیهان ماه‌های خرداد، تیر، مرداد و شهریور سال ۱۳۵۸ و ماه مرداد سال ۱۳۶۸.
- شادلو، عباس. (۱۳۸۸) انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم، تهران: وزرا، چاپ دوم.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی. (۱۳۶۴)، (سه جلدی) تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، و یک راهنمای مستقل چاپ شده.
- طباطبایی، فاطمه. (۱۳۹۰) تقسیم خاطرات، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- علی‌بابایی، داود. (۱۳۸۴) بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)، تهران: امید فردا، چاپ دوم، ۱۱ مجلد (تا کنون).
- فوزی، یحیی. (۱۳۸۴) تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، (۲ جلدی) تهران: عروج، چاپ اول.
- ----- (۱۳۸۸) اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۲) تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- قلفی، محمد وحید. (۱۳۸۴) مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران، تهران: عروج، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵) پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، چاپ دوازدهم.
- منتظری، حسین علی. (۱۳۷۹) (۲ جلدی) خاطرات، بی‌جا، بی‌نا.
- وب‌سایت عباس امیرانتظام به نشانی: <http://iran-amirentezam.com>
- هاشمی، محمد. (۱۳۷۴) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، (دو جلدی) تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۳) انقلاب و پیروزی (کارنامه و خاطرات سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸)، زیر نظر محسن هاشمی، به اهتمام عباس بشیری، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، چاپ دوم.